

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

عربی، زبان قرآن (۲)

رشته های علوم تجربی - ریاضی و فیزیک

پایه یازدهم

دوره دوم متوسطه



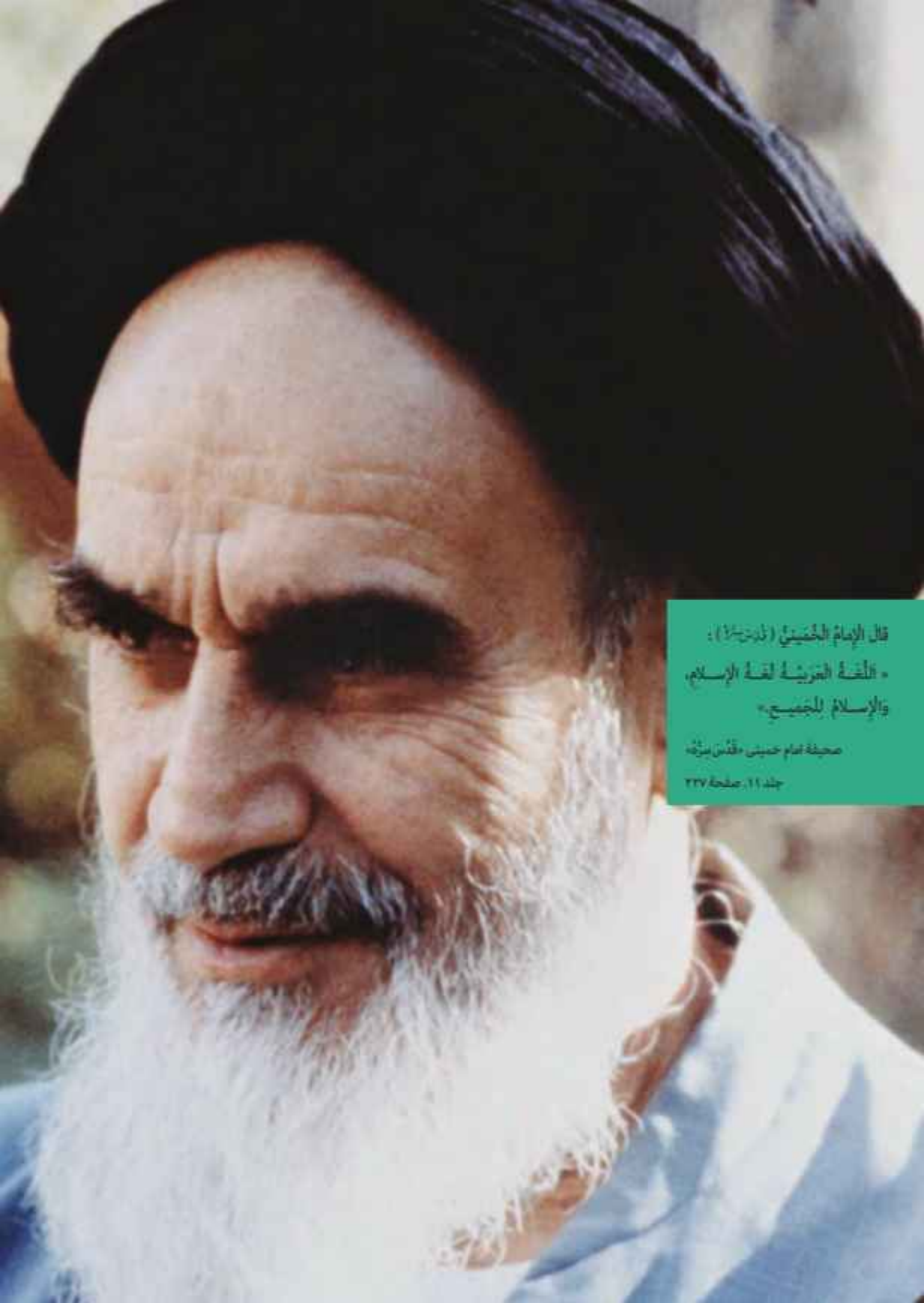


وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

- نام کتاب: عربی، زبان قرآن (۲) - پایه یازدهم دوره دوم متوسطه - ۱۱۱۲۰۶
- پدید آورنده: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
- مدیریت برنامه‌ریزی درسی و تألیف: دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری
- شناسه افزوده برنامه‌ریزی و تألیف: محی‌الدین بهرام محمدیان - حبیب‌نقوی، علی‌جان‌بزرگی، حسن حیدری، سیدمحمدالدبیری و فاطمه یوسف‌نژاد (انضای شورای برنامه‌ریزی)
- تألیف: اسنادر بیاجی، علی چرامی، حمید محمدی و عادل شکبوس (انضای گروه تألیف) - عادل شکبوس (سرگروه تألیف) - محمد کاظم بهتیا (دوراستار)
- مدیریت آماده‌سازی هنری: اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی
- شناسه افزوده آماده‌سازی: احمدرضا امینی (مدیر امور فنی و چاپ) - محمد مهدی ذیحجی فرد (طراح جلد و صفحه‌آرایی) - آزاده امینیان (تصویرگر) - حسین چرامی، علیرضا فلکن، فاطمه بزتکی و مریم دهقان زاده (تصویر آماده‌سازی)
- نشانی سازمان: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی)
تلفن: ۸۸۸۳۱۴۱۶۱۰۹، دورنگار: ۹۲۶۶۰۸۸۳ کد پستی: ۱۵۸۴۷۴۱۲۵۹
وبگاه: www.irtextbook.ir, www.chap.sch.ir
- ناشر: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران تهران، کیبومستر ۱۷ جاده مخصوص کرج - خیابان ۶۱ (ناروییختن) تلفن: ۴۴۹۸۵۱۴۱۵، دورنگار: ۴۴۹۸۵۱۴، صندوق پستی: ۳۷۵۱۵۱۳۹
- چاپخانه: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهلای خاص»
- سال انتشار و نوبت چاپ: چاپ هشتم ۱۴۰۲

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۵-۲۷۶۶-۵

ISBN: 978.964.05.2766.5



قال الإمام الخميني (ره):
« اللغة العربية لغة الإسلام،
والإسلام للجميع ».

صحيفة امام خمين «قدس سره»

جلد ۱۱، صفحه ۲۲۷

کلیه حقوق مادی و معنوی این کتاب متعلق به سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش است و هرگونه استفاده از کتاب و اجزای آن به صورت چاپی و الکترونیکی و ارائه در پایگاه‌های مجازی، نمایش، اقتباس، تلخیص، تبدیل، ترجمه، عکس برداری، نقاشی، تهیه فیلم و تکثیر به هر شکل و نوع، بدون کسب مجوز از این سازمان ممنوع است و متخلفان تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.

أَلْفِهْرِسُ

پیش گفتار الف |

الدرس الأول ۱۱ |

من آيات الأخلاق + اسم التفضيل و اسم المكان + جواز في سوق مشهد -----

الدرس الثاني ۱۹ |

في محضر المعلم + أسلوب الشرط و أدواته -----

الدرس الثالث ۳۳ |

عجائب الأشجار + المعرفة و الذكر + جواز في الملعب الرياضي -----

الدرس الرابع ۴۹ |

آداب الكلام + الجملة بخذ الذكر -----

الدرس الخامس ۶۳ |

الكذب مفتاح لكل شر + ترجمه الفعل المضارع (۱) + جواز في الصيدية -----

الدرس السادس ۷۵ |

آته ماري شيمل + ترجمه الفعل المضارع (۲) -----

الدرس السابع ۸۹ |

تأثير اللغة الفارسية على اللغة العربية + معاني الأفعال الناقصة + جواز مع

الطيب

پیش‌گفتار

سخنی با دبیران، گروه‌های آموزشی، مدیران مدارس و اولیای دانش‌آموزان

شایسته است که دبیر عربی برای تدریس این کتاب:

۱. کتاب‌های عربی پایه‌های هفتم تا دهم را تدریس، یا به‌دقت مطالعه کرده باشد.

۲. دوره آموزشی توجیهی ضمن خدمت این کتاب را گذرانده باشد.

۳. کتاب معلم را با دقت کافی بررسی کرده باشد.

خدای را سپاسگزاریم که به ما توفیق داد تا با نگارش کتاب عربی، زبان قرآن (۲) کتاب مشترک دو رشته علوم تجربی و ریاضی و فیزیک به جوانان کشور عزیزمان خدمتی فرهنگی ارائه کنیم. رویکرد برنامه درسی عربی بر اساس برنامه درسی ملی این است:

«پرورش مهارت‌های زبانی به منظور تقویت فهم قرآن و متون دینی و کمک به زبان و ادبیات فارسی»

شیوه تألیف کتاب‌های عربی هفتم تا یازدهم متن‌محوری است. انتظار می‌رود دانش‌آموز پایه یازدهم بتواند در پایان سال تحصیلی، متون و آیات آسان قرآن، حدیث و نیز ترکیبات و عبارات عربی متون نظم و نثر فارسی را در حد ساختارهای خواننده شده، درست بخواند و معنای آنها را بفهمد و ترجمه کند.

همة کتاب‌های درسی با توجه به مصوبات اسناد بالادستی «برنامه درسی ملی» و «راهنمای برنامه درسی» نوشته شده است. برنامه درسی ملی، مهم‌ترین سند تألیف کتب درسی است. راهنمای برنامه درسی حوزه تربیت و یادگیری عربی نیز نقشه راه تألیف تمام کتاب‌های درسی عربی است.

کلمات کتاب‌های عربی پایه هفتم تا یازدهم، پرکاربردترین واژگان زبان عربی است که در قرآن، حدیث، روایات و زبان و ادبیات فارسی بسیار به کار رفته است. در این کتاب، ۲۵۴ کلمه پرکاربرد به کار رفته و افزون بر آن، از ۱۱۳۴ واژه کتاب‌های عربی پایه هفتم تا دهم بسیاری از آنها نیز در کتاب یازدهم تکرار شده است؛ پس در واقع هدف، آموزش حدود ۱۵۰۰ واژه پریسامد زبان عربی است. حدود ۵۵۰ واژه از ۸۱۲ واژه سه کتاب دوره اول متوسطه کاربرد قرآنی داشتند. در دوره دوم متوسطه نیز چنین است.

هدف اصلی، فهم متون عربی به‌ویژه قرآن کریم و نیز فهم متون دینی همانند احادیث، دعاها

و متون ادب فارسی آمیخته با واژگان عربی است.

از آنجا که یکی از چهار مهارت زبانی «سخن گفتن» است و به استناد برنامه درسی ملی، مکالمات کوتاهی در کتاب گنجانده شده است؛ مکالمه بستری مناسب برای آموزش هر زبانی است و کلاس درس را جذاب، شاداب، پرتحرک و فعال می‌سازد؛ ولی هدف اصلی برنامه درسی عربی نیست.

مهم‌ترین تأکیدات درباره شیوه تدریس و ارزشیابی کتاب:

1 کتاب عربی زبان قرآن پایه یازدهم در هفت درس تنظیم شده است. هر درس را می‌توان در سه جلسه آموزشی تدریس کرد.

2 دانش‌آموز پایه یازدهم تاکنون با این ساختارها آشنا شده است:

فعل‌های ماضی، مضارع، امر، نهی، منفی، مستقبل، معادل ماضی استمراری، ترکیب اضافی و وصفی برای ترجمه صفت مؤخر در ترکیب‌هایی مانند «أَخَوْتُكَ الضَّعِيفُ»، هدف آموزش ترکیب وصفی و اضافی در عربی پایه نهم این بود که دانش‌آموز بتواند ترکیب‌هایی مانند «أخي العزيز» را داخل جمله (نه بیرون از جمله) ترجمه کند.

اسم اشاره، کلمات پرسشی و ساعت‌خوانی.

وزن و ریشه کلمات (در بخش وزن و حروف اصلی نیز با چند وزن معروف آشنا شده است).

عده‌های اصلی یک تا صد (بدون توجه به قواعد محدود و ویژگی‌های آن) و عده‌های ترتیبی یکم تا بیستم، تشخیص و ترجمه فعل مجهول، نون و قایه، اسم فاعل، اسم مفعول و اسم مبالغه.

تشخیص المحل الإعرابي یعنی فاعل، مفعول، مبتدا، خبر، صفت، مضاف الیه، جار و مجرور؛ اما تشخیص إعراب (اصلی و فرعی) هدف نیست.

در این کتاب، تشخیص نوع باب و صیغه فعل مانند «مفرد مذکر غایب» و ذکر اصطلاحات ثلاثی مجرد و مزید و تشخیص آنها از اهداف آموزشی نیست.

دانش‌آموز باید «تَمَّ» را در «فَعَلْتُمْ» بشناسد و این فعل‌ها را به دنبال آن، درست ترجمه کند: خَرَجْتُمْ، تَخَرَّجْتُمْ، أَخْرَجْتُمْ و اسْتَخْرَجْتُمْ.

در کل کتاب آموخته‌های پیشین تکرار شده است، تا با گذر زمان، کم‌کم این آموخته‌ها ملکه ذهن فراگیر شود.

3 متن درس اول، بخشی از آیات اخلاقی قرآن (آیات ۱۱ و ۱۲ سوره حَجَرَات) است. قواعد درباره شناخت اسم تفضیل و اسم مکان است. در تمرینات اسم فاعل، اسم مفعول و اسم مبالغه که در سال گذشته آموزش داده شده دوباره تکرار شده است.

4 موضوع متن درس دوم، احترام نهادن به کلاس و معلم است. قواعد درباره اسلوب شرط است. دانش‌آموز با نحوه ترجمه ادوات شرط «مَنْ، مَا، إِنْ و إِذَا» آشنا می‌شود. فعل شرط و جواب آن را تشخیص می‌دهد. اما آموزش جزم جزء اهداف نیست.

5 موضوع متن درس سوم، شگفتی‌های درختان است. اندیشیدن پیرامون آفریده‌های خدا در رهنمودهای بزرگان دین همواره تأکید شده، با توجه به سن پر جوش و خروش جوانی دانستی‌هایی در متن آمده است که موجب ایجاد علاقه و انگیزه نسبت به درس شود. قواعد درس درباره ترجمه درست اسم معرفه و نکره است. از شش نوع اسم معرفه، فقط دو نوع توضیح داده شده که مهم‌ترین آنهاست: (معرفه به ال و علم).

6 موضوع متن درس چهارم، آداب سخن گفتن است. آداب سخن گفتن با بهره‌گیری از سخنان بزرگان دین برای دانش‌آموز شرح داده شده است. هدف از تدریس کتاب پیش رو، تنها مهارت‌های چهارگانه زبانی نیست. در بیشتر متون و عبارات کتاب، برنامه پنهان آموزش وجود دارد که هدف آنها آموزش غیر مستقیم فرهنگ ایرانی - اسلامی است.

دانش آموز در بخش قواعد با معادل‌هایی از ماضی استمراری، ماضی بعید و مضارع التزامی آشنا می‌شود.

7 متن درس پنجم، داستانی در تکوینش دروغ‌گویی است. این داستان برای دانش‌آموزان آراسته به سخنان بزرگان دین است و در آن از شیوه آموزش غیر مستقیم استفاده شده، روشی که بنا به باور متخصصان حوزه تعلیم و تربیت مؤثرترین روش تربیتی است.

در قواعد این درس، معانی حروف «أَنْ» و «كَيْ» و «لِي» و «حَتَّى» آموزش داده شده است. نصب فعل مضارع، از اهداف نیست. لذا از آن سؤال طراحی نمی‌شود. هدف این است که دانش‌آموز فعل‌هایی مانند «لَنْ يَأْسَ» را در جمله بشناسد، درست بخواند و درست ترجمه کند.

8 متن درس ششم، درباره شادروان دکتر بانو آنه ماری شیعلی است. شخصیتی جهانی که در شناساندن فرهنگ و ادبیات فارسی و نیز عربی به جهانیان نقشی شگفت‌انگیز داشته است. قواعد درس، درباره معانی حروف «لَمْ» و «لَا» است. هدف این است که دانش‌آموز فعل‌هایی مانند «لَمْ يَسْمَعْ» را در جمله بشناسد، درست بخواند و درست ترجمه کند. آموزش جزم فعل، از اهداف نیست.

9 متن درس هفتم، درباره تأثیر زبان فارسی در عربی است. موضوعی که برای بیشتر دانش‌آموزان و دبیران جالب بوده است و در نظرسنجی‌ها خواستار چنین متنی در کتاب درسی بودند. از بخش «للمطالعة» سؤال امتحانی طرح نمی‌شود. کتاب‌های بسیاری درباره معربات فارسی نگاشته شده است، از آن جمله:

مُعْجَمُ الْمُعْرَبَاتِ الْفَارَسِيَّةِ مُنْذُ بَوَاكِرِ الْعَصْرِ الْحَاضِرِ. محمّد التونجی، مکتبه لبنان ناشرون.

ریشه‌یابی واژه‌ها در قرآن. جلال‌الدین السیوطی (برگردان محمّد جعفر اسلامی). شرکت سهامی انتشار.

واژه‌های دخیل در قرآن مجید، آرتور جفری (برگردان فریدون پدراهی). توس.

المُهْدَبُ فِي مَا وَقَعَ فِي الْقُرْآنِ مِنَ الْمُعْرَبِ. جلال‌الدین السیوطی. مکتبه مشكاة الإسلامية.

قواعد درس هفتم، کاربرد فعل‌های ربطی «كَانَ، صَارَ، لَيْسَ وَ أَصْبَحَ» در زبان عربی است. دانش‌آموز با معانی مختلف این فعل‌ها آشنا می‌شود.

10 نیازی به ارائه جزوه مکتل قواعد به دانش‌آموز نیست. هرچه در این باره لازم بوده در کتاب آمده است. یا سال بعد خواهد آمد.

11 تحلیل صرفی و اعراب، تعریب و تشکیل و اعراب‌گذاری از اهداف کتاب درسی نیست. کل کتاب

درسی اعراب‌گذاری شده است. تا دانش‌آموز در درست‌خوانی دچار مشکل نشود. شایسته است طراحان آزمون، متون و عبارات امتحانی را کاملاً حرکت‌گذاری کنند.

۱۲ آموزش فعل و ضمیر در کتاب‌های دورهٔ اول متوسطه بومی‌سازی شده و بر اساس «من، تو، او، ما، شما، ایشان» است. سبک پیشین این‌گونه بود: «هُوَ، هُمَا، هُم، هِيَ، هُمَا، هُنَّ، أَنْتَ، أَنْتِ، أَنْتُمْ، أَنْتِ، أَنْتِ، أَنْتِ، أَنْتِ، أَنْتِ، أَنْتِ».

شیوهٔ نوین در تدریس آزمایشی کاملاً موفق بوده است و دانش‌آموزان درس را بهتر آموخته‌اند.

۱۳ تبدیل «مذکر به مؤنث»، یا «مخاطب به غیر مخاطب»، یا «جمع به غیر جمع» و موارد مشابه از اهداف کتاب نیست.

۱۴ معنای کلمات در امتحان داخل جمله خواسته می‌شود. در چند تمرین کتاب درسی، معنای کلمه، بیرون از جمله است؛ اما جهت تسهیل آموزش و ارزشیابی شیوهٔ طرح آن، همراه با یک نمونه ارائه شده است.

۱۵ روخوانی‌های دانش‌آموز و فعالیت‌های او در بخش مکالمه در طول سال، نمرهٔ شفاهی دانش‌آموز را تشکیل می‌دهد.

۱۶ در کتاب به اندازه کافی جای برای نوشتن ترجمه و حل تمرین در نظر گرفته شده است، تا نیازی به دفتر تمرین نباشد. تنها متنی درس جای کافی برای نوشتن ندارد که با نهادن یک برگه در کتاب، مشکل حل می‌شود.

۱۷ کلمات جدیدی که معنای آنها در پاورقی آمده است در آزمون‌ها طرح می‌شوند.

۱۸ از همکاران ارجمند خواستاریم تا با رویکرد دفتر تألیف همگام شوند؛ شش کتاب درسی عربی مجموعه‌ای یکپارچه‌اند و آموزش برخلاف اهداف درسی به روند آموزش آسیب می‌رساند.

آگاهی از نظریات شما موجب خوشحالی ما می‌شود؛ می‌توانید از طریق وبگاه و نگاه گروه عربی پیغام بگذارید.
نشانی وبگاه گروه عربی: <http://arabic-dept.talif.sch.tr>

سخنی با دانش آموز

عربی را می‌آموزیم؛ زیرا زبان قرآن، حدیث، دعا و زبان رسمی بسیاری از کشورهای مسلمان است؛ زبان و ادبیات فارسی با آن درآمیخته و برای فهم بهتر زبان و ادبیات فارسی آشنایی با زبان عربی لازم است؛ یکی از شش زبان رسمی سازمان ملل متحد است؛ زبانی پرمعنا و قوی است؛ و کتاب‌های بسیاری از دانشمندان به این زبان نوشته شده است.

این کتاب ادامه چهار کتاب پیشین است. هرچه در چهار سال گذشته آموخته‌اید در متون، عبارات و تمرین‌های این کتاب تکرار شده است. ترجمه متون و عبارات کتاب بر عهده شماست و دبیر نقش راهنما دارد. شما به راحتی می‌توانید متون را ترجمه کنید.

استفاده از کتاب کار توصیه نمی‌شود. در کتاب‌هایی که به نام تیزهوشان یا آمادگی برای مسابقات طراحی می‌شود، موارد بسیاری می‌آید که از اهداف آموزشی زبان‌آموزی نیست. در آزمون‌هایی نیز که مؤسسات مختلف برگزار می‌کنند بسیاری از سوالات خارج از اهداف آموزشی است و جنبه معنای دارد، با اینکه حجمش آن قدر زیاد است که دانش‌آموز در پاسخ‌دهی وقت کم می‌آورد. لذا اگر در چنین آزمون‌هایی شرکت می‌کنید شایسته است بدانید از نظر اصول آموزش زبان، نه تنها مورد تأیید نیستند بلکه خلاف اهداف نیز هستند و موجب ناامیدی و دل‌سردی می‌شوند. برای یادگیری هر زبانی تکرار و تمرین لازم است. اگر می‌خواهید در درس عربی موفق‌تر باشید، متون و واژگان درس‌ها را پیش مطالعه کنید.

هدف این کتاب فهم متن است. اگر شما بتوانید متون عربی را خوب بخوانید، درست بفهمید و درست ترجمه کنید، خود به خود می‌توانید از فارسی به عربی نیز ترجمه کنید و حتی سخن بگویید؛ شما می‌توانید از آیات و احادیث کتاب‌های درسی عربی در سخنرانی، انشا و مقاله‌نویسی استفاده کنید.

«کتاب گویا» نیز برای پایه تحصیلی یازدهم تهیه شده است تا با تلفظ درست متون آشنا شوید. ترجمه متون و عبارات کتاب و حل تمرین‌ها در کلاس به صورت گروهی است.

سخنی ویژه با مدیران مدارس

این کتاب نیازی به کتاب کار ندارد و تهیه کتاب کار موجب لطمه به روند آموزشی خواهد گردید. اگر مدرسه شما ساعت اضافه برای درس عربی اختصاص داده، بهتر است که این زمان صرف تقویت مهارت‌های شفاهی زبان شود.

که را از سخنی بود در سرشت
نمید ز طاهوس جزای زشت

(سعدی)



الدَّرْسُ الْأَوَّلُ



﴿... يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا

اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ ...﴾ [الْحُجْرَات: ۱۲]

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید.

مِن آيَاتِ الْأَخْلَاقِ

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الْإِسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَنْ لَمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ * يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ

وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾ الخُجُرَات: ١٢ و ١١



قَدْ يَكُونُ بَيْنَ النَّاسِ مَنْ هُوَ أَحْسَنُ مِنَّا، فَعَلَيْنَا أَنْ نُبْتَغِدَ عَنِ الْعُجْبِ وَ أَنْ لَا نَذْكَرَ غُيُوبَ الْآخَرِينَ بِكَلَامٍ خَفِيٍّ أَوْ بِإِشَارَةٍ. فَقَدْ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي تَالِبٍ: «أَكْبَرُ الْعُيُوبِ أَنْ تُعَيِّبَ مَا فِيكَ مِثْلَهُ».



تَتَّصَحُّنَا الْآيَةُ الْأُولَى وَ تَقُولُ: لَا تَعْبُوا الْآخِرِينَ. وَ لَا تَلْقُبُوهُمْ بِألقَابٍ يَكْرَهُونَهَا.

بِسِّ الْعَمَلِ الْفُسُوقِ! وَ مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَهُوَ مِنَ الظَّالِمِينَ.

إِذَنْ فَقَدْ حَرَّمَ اللهُ تَعَالَى فِي هَاتَيْنِ الْآيَتَيْنِ:

■ الْأَشْتِهَاءَ بِالْآخِرِينَ، وَ تَسْمِيَتَهُمْ

بِالْأَسْمَاءِ الْقَبِيحَةِ.

■ سَوْءَ الظَّنِّ، وَ هُوَ إِثْمًا شَخِصٍ لِشَخِصٍ آخَرَ

يَدُونَ دَلِيلٍ مَنْطِقِيٍّ.

■ التَّجَسُّسَ، وَ هُوَ مُحَاوَلَةٌ قَبِيحَةٌ لِكَشْفِ أَسْرَارِ

النَّاسِ لِنَفْسِهِمْ وَ هُوَ مِنْ كِبَائِرِ الذُّنُوبِ فِي مَكْتَبِنَا

وَ مِنَ الْأَخْلَاقِ السَّيِّئَةِ.

■ وَ الْغَيْبَةَ، وَ هِيَ مِنْ أَهَمِّ أَسْبَابِ قَطْعِ

التَّوَاصُلِ بَيْنَ النَّاسِ.

سَمَى بَعْضُ الْمُفَسِّرِينَ سُورَةَ الْحُجُرَاتِ الَّتِي

جَاءَتْ فِيهَا هَاتَانِ الْآيَتَانِ بِسُورَةِ الْأَخْلَاقِ.



اِنْتَفَى : پروا کرد (مضارع: يَنْتَفِي)

اِنْتَفُوا اللّٰهَ : از خدا پروا کنید

اِنْمٌ : گناه = ذَنْبٌ

اِسْتَهْزَأَ بِـ : ریشخند کردن

(اِسْتَهْزَأَ، يَسْتَهْزِئُ)

اِغْتَابَ : غیبت کرد (مضارع: يَغْتَابُ)

لَا يَغْتَبُ : نباید غیبت کند

أَنْ يَكُنْ : که باشند (كَانَ، يَكُونُ)

أَنْ يَكُونُوا : که باشند (كَانَ، يَكُونُ)

بَعْضٌ ... بَعْضٌ : یکدیگر

بُئْسَ : بد است

تَابَ : توبه کرد (مضارع: يَتُوبُ)

لَمْ يَتُبْ : توبه نکرد

تَجَسَّسَ : جاسوسی کرد

(مضارع: يَتَجَسَّسُ)

تَسْمِيَةٌ : نام دادن، نامیدن

(سَمَى/ يُسَمِّي)

تَنَابَزَ بِالأَلْقَابِ : به یکدیگر لقب های

زشت دادن (تَنَابَزَ، يَتَنَابَزُ)

تَوَابٌ : بسیار توبه پذیر، بسیار

توبه کننده

تَوَاصَلَ : ارتباط (تَوَاصَلَ، يَتَوَاصَلُ)

حَرَمٌ : حرام کرد (مضارع: يُحْرِمُ)

خَفِيَ : پنهان ≠ ظاهر

سَخَّرَ مِنْ : مسخره کرد

(مضارع: يَسَخِّرُ / مصدر: سُخَّرِيَةٌ)

لَا يَسَخِّرُ : نباید مسخره کند

عَابَ : عیب جویی کرد، عیب دار کرد

(مضارع: يَعِيبُ)

عُجِبَ : خودپسندی

عَسَى : شاید = رُبَّمَا

فُسُوقٌ : آلوده شدن به گناه

فَضَحَ : رسوا کردن

قُدَّ : گاهی، شاید (بر سر مضارع)

«قَدَّ يَكُونُ: گاهی می باشد» / بر

سر فعل ماضی برای نزدیک ساختن

زمان فعل به حال و معادل ماضی

نقلی است.

كِبَائِرُ : گناهان بزرگ «مفرد: كَبِيرَةٌ»

كِرَاهَةٌ : ناپسند داشت (مضارع: يَكْرَهُ)

لَحْمٌ : گوشت «جمع: لُحُومٌ»

لَقَّبَ : لقب داد (مضارع: يُلَقِّبُ)

لَمَزَ : عیب گرفت (مضارع: يَلْمِزُ)

مَيِّتٌ : مُرَدَةٌ = مَيِّتٌ

«جمع: أَمْوَاتٌ، مَوْتَانِ» = حَيٌّ



عَيْنِ الصَّحِيحِ وَ الْخَطَا حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

۱- سَمَى بَعْضَ الْمُفَسِّرِينَ سَوْرَةَ الْحُجُرَاتِ بِعَرُوسِ الْقُرْآنِ.

۲- حَرَّمَ اللَّهُ فِي هَاتَيْنِ الْآيَتَيْنِ الْاِسْتِهْزَاءَ وَالْغَيْبَةَ فَقَطَّ.

۳- الْغَيْبَةُ هِيَ أَنْ تَذْكُرَ أَخَاكَ وَ أَخْتَكِ بِمَا يَكْرَهُانِ.

۴- إِنْ اللَّهُ يَنْهَى النَّاسَ عَنِ السُّخْرِيَّةِ مِنَ الْآخِرِينَ.

۵- السَّعْيُ لِمَعْرِفَةِ أَسْرَارِ الْآخِرِينَ أَمْرٌ جَمِيلٌ.

إِعْلَمُوا

إِسْمُ التَّفْضِيلِ وَ اسْمُ الْمَكَانِ

■ اسم تفضیل مفهوم برتری دارد و بر وزن «أَفْعَل» است.

اسم تفضیل معادل «صفت برتر» و «صفت برترین» در زبان فارسی است؛ مثال:

گبیر: بزرگ أَكْبَرُ؛ بزرگ‌تر، بزرگ‌ترین حَسَن: خوب أَحْسَن: خوب‌تر، خوب‌ترین

آسیا أَكْبَرُ مِنْ أوروپا. آسیا بزرگ‌تر از اروپاست.

آسیا أَكْبَرُ قَارَاتِ الْعَالَمِ. آسیا بزرگ‌ترین قاره‌های جهان است.

آسیا أَكْبَرُ قَارَةً فِي الْعَالَمِ. آسیا بزرگ‌ترین قاره در جهان است.



جَبَلِ دَمَاوَنْدِ أَعْلَى مِنْ جَبَلِ دِنَا. کوه دماوند بلندتر از کوه دناست.

جَبَلِ دَمَاوَنْدِ أَعْلَى جِبَالِ إِيْرَانِ. کوه دماوند بلندترین کوه‌های ایران است.

جَبَلِ دَمَاوَنْدِ أَعْلَى جَبَلِ فِي إِيْرَانِ. کوه دماوند بلندترین کوه در ایران است.



أَكْبَرُ الْعَيْبِ، أَنْ تَعَيْبَ مَا فِيكَ مِثْلَهُ. الإمام عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

بزرگ‌ترین عیب آن است که [از کسی] عیبی بگیری که مانند آن در خودت هست.

■ گاهی وزن اسم تفضیل به این شکل‌ها می‌آید:

أَعْلَى: بلندتر، بلندترین
أَعْلَى: گران‌تر، گران‌ترین
أَحَبُّ: محبوب‌تر، محبوب‌ترین
أَقَلُّ: کمتر، کمترین

■ مؤنث اسم تفضیل بر وزن «فَعْلَى» می‌آید؛ مثال:

فَاطِمَةُ الْكُبْرَى: فاطمه بزرگ‌تر، زَيْنَبُ الصُّغْرَى: زینب کوچک‌تر

«اسم تفضیل» در حالت مقایسه بین دو اسم مؤنث معمولاً بر همان وزن «أَفْعَل» می‌آید؛

مثال: فاطمه أَكْبَرُ مِنْ زینب.



■ غالباً جمع اسم تفضیل بر وزن «أَفَاعِل» است؛ مثال:

إِذَا مَلَكَ الْأَرَادِلُ هَلَكَ الْأَفَاضِلُ. (أَرَادِلُ جَمْعُ أَرْدَلٍ وَ أَفَاضِلُ جَمْعُ أَفْضَلٍ اسْت).

■ هرگاه بعد از اسم تفضیل، حرف جرّ «مِنْ» بیاید (أَفْعَلُ مِنْ ...)، معنای «برتر»

دارد؛ مثال:

هَذَا أَكْبَرُ مِنْ ذَاكَ. این از آن بزرگ‌تر است.

و هرگاه اسم تفضیل مضاف واقع شود، معنای «برترین» دارد؛ مثال:

سُورَةُ الْبَقَرَةِ أَكْبَرُ سُورَةٍ فِي الْقُرْآنِ. سُورَةُ بَقَرَةٍ بزرگ‌ترین سُورَةُ در قرآن است.

إِخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرَجِمِ الْأَحَادِيثَ التَّالِيَةَ، ثُمَّ ضَعِ خَطًّا تَحْتَ اسْمِ التَّفْضِيلِ.

۱ سئِلَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ أَحَبَّ النَّاسَ إِلَى اللَّهِ؟ قَالَ: أَنْفَعُ النَّاسِ لِلنَّاسِ.

۲ أَحْسَنُ زِينَةِ الرَّجُلِ السَّكِينَةُ مَعَ إِيمَانٍ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

۳ أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ الْكَسْبُ مِنَ الْحَلَالِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

■ دو کلمه «خَيْر» و «شَر» علاوه بر اینکه به معنای «خوبی» و «بدی» هستند، می‌توانند به معنای اسم تفضیل نیز بیایند؛ در این صورت، معمولاً بعد از آن حرف جرّ «مِن» است، یا به صورت «مضاف» می‌آید؛ مثال:

۱ خَيْرٌ مِنَ الْخَيْرِ فَاعِلُهُ، وَ أَجْمَلٌ مِنَ الْجَمِيلِ قَائِلُهُ. الْإِمَامُ الْهَادِي عَلَيْهِ السَّلَامُ

بهتر از خوبی انجام دهنده‌اش است و زیباتر از زیبا گوینده‌اش می‌باشد.

۲ شَرُّ النَّاسِ مَنْ لَا يَعْتَقِدُ الْأَمَانَةَ وَلَا يَجْتَنِبُ الْخِيَانَةَ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

بدترین مردم کسی است که پایبند به امانت نباشد و از خیانت دوری نکند.

۳ خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

بهترین کارها میانه‌ترین آنهاست.

۴ حَيٌّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ.

به سوی بهترین کار بشتاب.

۱- سئِلَ: از ... پرسیده شد ۲- الرَّجُلُ: انسان، مرد ۲- السَّكِينَةُ: آرامش ۴- حَيٌّ: بشتاب

١ ﴿... رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ﴾ الْمُؤْمِنُونَ، ١٠٩

٢ خَيْرُ إِخْوَانِكُمْ مَنْ أَهْدَىٰ لِيَنْصَحَ غُيُوبَكُمْ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٣ ﴿لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ﴾ الْقَدْر: ٣



٤ مَنْ عَلَبَتْ شَهْوَتُهُ عَقْلَهُ فَهُوَ شَرٌّ مِنَ الْبَهَائِمِ. امِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي تَالِبٍ

٥ شَرُّ النَّاسِ ذُو الْوَجْهَيْنِ.

■ اسم مکان بر مکان دلالت دارد و بیشتر بر وزن **مَفْعَل** و گاهی بر وزن **مَفْعِل** و **مَفْعَلَة** است؛ مثال:

مَلْعَب: ورزشگاه مَطْعَم: رستوران مَصْنَع: کارخانه مَطْبَخ: آشپزخانه
مَوْقِف: ایستگاه مَنْزِل: خانه مَكْتَبَة: کتابخانه مَطْبَعَة: چاپخانه

■ جمع اسم مکان بر وزن «مَفَاعِل» است؛ مانند: مَدَارِس، مَلَاعِب، مَطَاعِم و مَنَازِل.

اِحْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرَجِمِ الْاَيَاتِيْنَ وَالْعِبَارَةَ، ثُمَّ عَيِّنِ اسْمَ الْمَكَانِ وَاسْمَ التَّفْضِيلِ.

۱ «... وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ...»

النحل: ۱۲۵

۲ «وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى» الأمل: ۱۷

۳ کانت مکتبه «جندی سابور» في خوزستان أكبر مکتبه في العالم القديم.



۱- جادل: بحث کن

۲- ضل: گمراه شد

در گروه‌های دو نفره شبیه گفت‌وگوی زیر را اجرا کنید.

جِوَارُ (فِي سَوْقِ مَشْهَدِ)

بَائِعُ الْمَلَابِسِ

الرَّائِزَةُ الْعَرَبِيَّةُ

عَلَيْكُمْ السَّلَامُ، مَرَحِبًا بِكَ.

سَلَامٌ عَلَيَّكُمْ.

سِتُونَ أَلْفَ تُوْمَانٍ.

كَمْ سَعْرُ هَذَا الْقَمِيصِ الرَّجَالِيِّ؟

عِنْدَنَا بِسَعْرِ خَمْسِينَ أَلْفَ تُوْمَانٍ. تَفْضَلِي أَنْظُرِي.

أُرِيدُ أَرْحَصَ مِنْ هَذَا. هَذِهِ الْأَسْعَارُ غَالِيَةٌ.

أَبْيَضٌ وَ أَسْوَدٌ وَ أَزْرَقٌ وَ أَحْمَرٌ وَ أَصْفَرٌ وَ
بِنَفْسَجِي.

أَيُّ لَوْنٍ عِنْدَكُمْ؟

تَبْدَأُ الْأَسْعَارُ مِنْ خَمْسَةِ وَ سَبْعِينَ أَلْفًا إِلَى
خَمْسَةِ وَ ثَمَانِينَ أَلْفَ تُوْمَانٍ.

بِكَمْ تُوْمَانٍ هَذِهِ الْقَسَاتِينُ؟

سَيِّدَتِي، يَخْتَلِفُ السَّعْرُ حَسَبَ النُّوعِيَّاتِ!

الْأَسْعَارُ غَالِيَةٌ!

السَّرَوَالُ الرَّجَالِيُّ بِتِسْعِينَ أَلْفَ تُوْمَانٍ، وَ السَّرَوَالُ
النِّسَائِيُّ بِخَمْسَةِ وَ تِسْعِينَ أَلْفَ تُوْمَانٍ.

بِكَمْ تُوْمَانٍ هَذِهِ السَّرَاوِيلُ؟

ذَلِكَ مَتَجَرٌّ زَمِيلِي، لَهُ سَرَاوِيلٌ أَفْضَلُ.

أُرِيدُ سَرَاوِيلَ أَفْضَلَ مِنْ هَذِهِ.

فِي مَتَجَرِّ زَمِيلِهِ ...

صَارَ الْمَبْلُغُ مِئَتَيْنِ وَ ثَلَاثِينَ أَلْفَ تُوْمَانٍ.
أَعْطَيْتَنِي بَعْدَ التَّخْفِيفِ مِئَتَيْنِ وَ عِشْرِينَ أَلْفًا.

رَجَاءً، أَعْطِنِي سِرْوَالًا مِنْ هَذَا النَّوعِ وَ ...
كَمْ صَارَ الْمَبْلُغُ؟



التمرين الأول: أَيْ كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ مُعْجَمِ الدَّرْسِ تُنَاسِبُ التَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةَ؟

١- جَعَلَهُ حَرَامًا:

.....

٢- الَّذِي لَيْسَ حَيًّا:

.....

٣- الدُّنُوبُ الكُبْرَى:

.....

٤- الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ:

.....

٥- تَسْمِيَةُ الْآخَرِينَ بِالْأَسْمَاءِ الْقَبِيحَةِ:

.....

٦- ذَكَرَ مَا لَا يَرْضَى بِهِ الْآخَرُونَ فِي غِيَابِهِمْ:

.....

التمرين الثاني: تَرْجِمْ هَذِهِ الْأَحَادِيثَ النَّبَوِيَّةَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.

١- حُسْنُ الْخُلُقِ نِصْفُ الدِّينِ. (الْمُبْتَدَأُ وَ الْحَيْرُ)

.....

٢- مَنِ سَاءَ خُلُقُهُ عَذَّبَهُ نَفْسُهُ. (التفعول)

.....

٣- اللَّهُمَّ كَمَا حَسَّنْتَ خُلُقِي، فَحَسِّنْ خُلُقِي. (الفعل الماضي و فعل الأمر)

.....

٤- لَيْسَ شَيْءٌ أَثْقَلُ فِي الْمِيزَانِ مِنْ الْخُلُقِ الْحَسَنِ. (إِسْمُ التَّفْضِيلِ وَ الْجَارُ وَ الْمَجْرُورُ)

.....

التمرین الثالث: تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ وَ الْمَصَادِرَ التَّالِيَةَ.

الْمَاضِي	الْمُضَارِعُ وَ الْمُسْتَقْبَلُ	الْأَمْرُ وَ النَّهْيُ	الْمَصْدَرُ
قَدْ أَحْسَنَ:	يُحْسِنُ: نیکی می کند	أَحْسِنُ:	إِحْسَان: نیکی کردن
إِفْتَرَبَ: نزدیک شد	يَفْتَرِبُونَ:	لَا تَفْتَرِبُوا:	إِفْتِرَاب: نزدیک شدن
انْكَسَرَ:	سَيَنْكَسِرُ:	لَا تَنْكَسِرُ: شکسته نشو	انْكِسَار: شکسته شدن
اسْتَعْفَرَ: آمرزش خواست	يَسْتَعْفِرُ:	اسْتَعْفِرْ: آمرزش بخواه	اسْتِعْفَار:
مَا سَافَرْتُ: سفر نکردم	لَا يُسَافِرُ:	لَا تُسَافِرْ:	مُسَافَرَة: سفر کردن
تَعَلَّمَ:	يَتَعَلَّمَانِ: یاد می گیرند	تَعَلَّمْ:	تَعَلُّم: یاد گرفتن
تَبَادَلْتُمْ:	تَتَبَادَلُونَ:	لَا تَتَبَادَلُوا: عوض نکنید	تَبَادُل: عوض کردن
قَدْ عَلَّمَ: آموزش داده است	سَوْفَ يُعَلِّمُ:	عَلِّمْ:	تَعْلِيم: آموزش دادن

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ: أَكْتُبِ الْعَمَلِيَّاتِ الْحِسَابِيَّةَ التَّالِيَةَ كَالْمِثَالِ:

١- عَشْرَةٌ زَائِدٌ أَرْبَعَةٌ يُسَاوِي أَرْبَعَةَ عَشَرَ. $10 + 4 = 14$

٢- مِئَةٌ تَقْسِيمٌ عَلَى اثْنَيْنِ يُسَاوِي خَمْسِينَ.

٣- ثَمَانِيَةٌ فِي ثَلَاثَةٍ يُسَاوِي أَرْبَعَةً وَعِشْرِينَ.

٤- سِتَّةٌ وَسَبْعُونَ نَاقِضٌ أَخْدَعَشَرَ يُسَاوِي خَمْسَةَ وَسِتِّينَ.

التَّمْرِينُ الْخَامِسُ: عَيِّنِ الْمَحَلَّ الْإِعْرَابِيَّ لِلْكَلِمَاتِ الْمُلَوَّنَةِ.

١- «فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ» الفتح: ٢٦

٢- «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا» البقرة: ٢٨٦

٣- السُّكُوتُ ذَهَبٌ وَ الْكَلَامُ فِضَةٌ. رسول الله ﷺ

٤- أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ. رسول الله ﷺ

٥- عِدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صِدَاقَةِ الْجَاهِلِ. أمير المؤمنين عليّ ﷺ

الْتَمَرِينُ السَّادِسُ: تَرْجِمِ التَّرَاكِيِبَ وَالجَمَلَ التَّالِيَةَ، ثُمَّ عَيِّنِ اسْمَ الْفَاعِلِ، وَاسْمَ الْمَفْعُولِ، وَاسْمَ الْمُبَالِغَةِ، وَاسْمَ الْمَكَانِ، وَاسْمَ التَّفْضِيلِ.

١- «رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ»: الشُّعْرَاءُ: ٢٨

٢- «... إِنَّكَ أَنْتَ عَلَامُ الْغُيُوبِ»: الْمَائِدَةُ: ١٠٩

٣- «... مَنْ بَعَثْنَا مِنْ مَرَاقِدِنَا هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْلُنُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ»: يَس: ٥٢

٤- يَا مَنْ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ:

٥- يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ:

٦- يَا سَاتِرَ كُلِّ مَعْيُوبٍ:

٧- يَا عَقَّارَ الذُّنُوبِ:

التمرين السابع: عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ فِي كُلِّ مَجْمُوعَةٍ.

- ١- صباح مساء لَيْل مَيِّت
- ٢- عَجَب لَحْم فُسُوق إِم
- ٣- كَبَائِر نِسَاء رِجَال أَوْلَاد
- ٤- سَخِرَ عَابَ سَاعَدَ لَمَزَ
- ٥- أَحْمَرَ أَحْسَنَ أَجْمَلَ أَصْلَحَ
- ٦- أَصْفَرَ أَرْزَقَ أَيْبَضَ أَكْثَرَ

التمرين الثامن: ضَعِ فِي الْفُرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً.

- ١- اِسْتَرَيْنَا _____ وَ قَسَاتَيْنِ بِأَسْعَارٍ رَخِيصَةٍ فِي الْمَتَجَرِّ.
- سَرَاوِيل أَشْهُرًا مَوَاقِفَ
- ٢- مَنْ _____ الْمُؤْمِنِينَ فَعَلَيْهِ أَنْ يَعْتَدِرَ إِلَيْهِمْ.
- اِغْتَابَ اِتَّقَى مَدَحَ
- ٣- خَمْسَةٌ وَسِتُّونَ نَاقِصٌ ثَلَاثَةٌ وَعِشْرِينَ يُسَاوِي _____ .
- اِثْنَيْنِ وَارْبَعَيْنِ اِثْنَيْنِ وَسَبْعِينَ اَرْبَعَةً وَعِشْرِينَ
- ٤- أَرَادَ الْمُشْتَرِي _____ الشَّعْرِ.
- نَوْعِيَّةً مَتَجَرَّ تَخْفِيفَ

■ اسْتَحْرِجْ خَمْسَةَ أَسْمَاءٍ تَفْضِيلٍ مِنْ دُعَاءِ الْإِفْتِيحِ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَفْتِيحُ الْبِنَاءِ بِخُدَيْكَ وَ أَنْتَ مُسَدِّدٌ لِلصَّوَابِ بِسَمَّتِكَ، وَ أَيَقُنْتُ أَنَّكَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ فِي مَوْضِعِ الْعَفْوِ وَ الرَّحْمَةِ، وَ أَشَدُّ الْمُعَاقِبِينَ فِي مَوْضِعِ التَّكَالِ وَ النَّقْمَةِ، وَ أَعْظَمُ الْمُتَجَبِّرِينَ فِي مَوْضِعِ الْكِبْرِيَاءِ وَ الْعِظَمَةِ.

خدایا، من با سپاسگزاری از تو ستایشت را آغاز می‌کنم و تو با مهرورزیات رهنمون به راه درست هستی. باور کردم که تو در جایگاه گذشت و مهربانی مهربان‌ترین مهربانانی و در جایگاه کیفر و انتقام، سخت‌ترین کیفر دهندگانی و در جایگاه بزرگ‌منشی و بزرگواری، بزرگ‌ترین نیرومندانی.

اللَّهُمَّ أَدْنَتْ لِي فِي دُعَائِكَ وَ مَسْأَلَتِكَ، فَاسْمَعْ يَا سَمِيعُ مِدْحَتِي، وَ أَجِبْ يَا رَحِيمُ دَعْوَتِي، وَ أَقْبَلْ يَا غَفُورٌ عَثْرَتِي، فَكَمْ يَا إِلَهِي مِنْ كُرْبَةٍ قَدْ فَرَّجْتَهَا، وَ هُمُومٍ قَدْ كَشَفْتَهَا، وَ عَثْرَةٍ قَدْ أَقْلَتَهَا، وَ رَحْمَةٍ قَدْ نَشَرْتَهَا، وَ حَلَقَةٍ بَلَاءٍ قَدْ فَكَّكْتُهَا!

خدایا، در فراخواندن و در درخواست از خودت به من اجازه دادی، پس ای شنوا ستایشم را بشنو و ای مهربان دعایم را برآورده کن و ای آمرزنده از لغزشم در گذر، ای خدای من، چه بسیار اندوه‌هایی که از آن گره گشودی و غم‌هایی که از من برداشتی و لغزشی که از آن در گذشتی و چه بسیار مهربانی که آن را گستردی و زنجیر بلایی که آن را گشودی.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ وَ آمِينِكَ وَ صَفِيكَ وَ حَبِيبِكَ وَ خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَ حَافِظِ سِرِّكَ، وَ مُبَلِّغِ رِسَالَتِكَ أَفْضَلَ وَ أَحْسَنَ وَ أَجْمَلَ وَ أَكْمَلَ وَ أَرْكَزِي وَ أَسْمِي وَ أَطْيِبِ وَ أَطْهَرِ وَ أَسْمِي وَ أَكْثَرِ مَا صَلَّيْتَ وَ بَارَكْتَ وَ تَرَحَّمْتَ وَ تَحَنَّنْتَ وَ سَلَّمْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ عِبَادِكَ وَ أَنْبِيَائِكَ وَ رُسُلِكَ وَ صَفْوَتِكَ وَ أَهْلِ الْكِرَامَةِ عَلَيْكَ مِنْ خَلْقِكَ.

خدایا، درود بفرست بر محمد: بندهات، فرستادهات، امانتدارت، برگزیدهات، یارت، بهترین آفریدهات، نگاهدارِ رازت، رسانندهٔ پیام‌هایت. [درودی که] برترین، بهترین، زیباترین، کامل‌ترین، پاک‌ترین، بالنده‌ترین، خوب‌ترین، پاکیزه‌ترین، بلندترین و بیشترین درودی باشد که فرستاده‌ای و برکت داده‌ای و مهربانی کرده‌ای و مهر ورزیده‌ای و سلام داده‌ای بر یکی از بندگان و پیامبران و فرستادگان و برگزیدگان و اهل بخشش از آفریدگانت.





الدَّرْسُ الثَّانِي



﴿إِقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ * الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ﴾

العلق، ۳، ۴

بخوان که پروردگارت گرامی‌ترین است، هو که با قلم یاد داد

فِي الْحِصَّةِ الْأُولَى كَانَ الطُّلَابُ يَسْتَمِعُونَ إِلَى كَلَامِ مُدْرَسِ الْكِيمِيَاءِ، وَ كَانَ بَيْنَهُمْ طَالِبٌ مُشَاغِبٌ قَلِيلُ الْأَدَبِ، يَضُرُّ الطُّلَابَ بِسُلُوكِهِ، يَلْتَفِتُ تَارَةً إِلَى الْوَرَاءِ وَ يَتَكَلَّمُ مَعَ الَّذِي خَلْفَهُ وَ تَارَةً يَهْمِسُ إِلَى الَّذِي يَجْلِسُ جَنْبَهُ حِينَ يَكْتُبُ الْمُعَلِّمُ عَلَى السَّبُورَةِ؛ وَ فِي الْحِصَّةِ الثَّانِيَةِ كَانَ الطَّالِبُ يَسْأَلُ مُعَلِّمَ عِلْمِ الْأَحْيَاءِ تَعْنَتًا؛ وَ فِي الْحِصَّةِ الثَّلَاثَةِ كَانَ يَتَكَلَّمُ مَعَ زَمِيلٍ مِثْلِهِ وَ يَضْحَكُ؛ فَتَصَحَّهَ الْمُعَلِّمُ وَ قَالَ: مَنْ لَا يَسْتَمِعُ إِلَى الدَّرْسِ جَيِّدًا يَرْسُبْ فِي الْإِمْتِحَانِ. وَلَكِنَّ الطَّالِبَ اسْتَمَرَّ عَلَى سُلُوكِهِ.



فكر مهران حول هذه المشكلية، فذهبت إلى معلم الأديب الفارسي وشرح له القضية و
 قال: أحب أن أكتب إنشاءً تحت عنوان «في محضر المعلم»؛ **فوافق** المعلم على طلبه، و
 قال له: إن تطالع كتاب «مئنة المرید» لزين الدين العاملي «الشهيد الثاني» يساعذك على
 كتابة إنشائك؛ ثم كتبت مهران إنشاءً و أعطاه لمعلمه. فقال المعلم له:
 إن تقرأ إنشاءك أمام الطلاب فسوف **يتنبه** زميلك المشاغب.

و هذا قسم من نص إنشائه:

... **ألف** عدد من العلماء كتباً في **مجالات** التربية و التعليم، **يرتبط** بعضها بالمعلم، و
 الأخرى بالمتعلم؛ و للطلاب في محضر المعلم آداب، من **يلتزم** بها ينجح؛ أهمها:

- 1 أن لا يعصي أوامر المعلم.
- 2 الاجتناب عن كلام فيه إساءة للأديب.
- 3 أن لا يهزب من أداء الواجبات المدرسية.
- 4 عدم النوم في الصف، عندما يدرس المعلم.
- 5 أن لا يتكلم مع غيره من الطلاب عندما يدرس المعلم.
- 6 أن لا يتطعم كلامه، و لا يسبقه بالكلام، و يصبر حتى يفرغ من الكلام.
- 7 الجلوس أمامه بأديب، و الاستماع إليه بدقة و عدم الالتفات إلى الورا إلا لضرورة.

لَمَّا سَمِعَ الطَّالِبُ الْمُشَاغِبُ إِِنْشَاءَ مَهْرَانٍ، حَجَلَ وَ نَدِمَ عَلَى سُلُوكِهِ فِي الصَّفِّ.

قَالَ الشَّاعِرُ الْمِصْرِيُّ أَحْمَدَ شَوْقِي عَنِ الْمُعَلِّمِ:

كَادَ الْمُعَلِّمُ أَنْ يَكُونَ رَسُولًا

فَمَ لِلْمُعَلِّمِ وَفِيهِ التَّجْبِيلَا

يَبْنِي وَ يَنْشِيْ أَنْفُسًا وَ عُقُولًا

أَعْلَمْتُ أَشْرَفَ أَوْ أَجَلَ مِنَ الَّذِي

عِلْمُ الْأَحْيَاءِ : زیست‌شناسی

فَكَرَّ : اندیشید (مضارع: يَفْكَرُ)

قَمَّ : برخیز ← (قَامَ، يَقُومُ)

كَادَ : نزدیک بود که (مضارع: يَكَادُ)

مَجَال: زمینه

مُشَاغِب : شلوغ‌کننده و اخلاک‌گر

وَافَقَ : موافقت کرد (مضارع: يُوَافِقُ)

وَفَى : کامل کرد (مضارع: يُوْفِي)

«وَفِيهِ التَّجْبِيلُ»: احترامش را کامل به جا

بیاورد.

هَمَسَ : آهسته سخن گفت

(مضارع: يَهْمَسُ)

تَعَنَّتْ فِي السُّؤَالِ : پرسیدن به

منظور به سختی و لغزش انداختن

تَنَبَّهَ : آگاه شد

(مضارع: يَتَنَبَّهُ) = اِنْتَبَهَ

جِصَّةٌ : زنگ درسی، قسمت

حَجَلَ : شرمنده شد (مضارع: يَحْجَلُ)

سَبَقَ : پیشی گرفت (مضارع: يَسْبِقُ)

سَبْوَةٌ : تخته‌سیاه

سُلُوكٌ : رفتار

صَرَّ : زیان رساند (مضارع: يَصُرُّ)

عَصَى : سرپیچی کرد (مضارع: يَعْصِي)

أَجَلَ : گران‌قدرتر

ارْتَبَطَ : ارتباط داشت (مضارع: يَرْتَبِطُ)

اسْتَمَعَ : گوش فراداد (مضارع: يَسْتَمِعُ)

الْتَزَمَ : پایبند شد (مضارع: يَلْتَزِمُ)

الْتَفَاتٌ : روی برگرداندن

الْتَفَتَ : روی برگرداند

(مضارع: يَلْتَفِتُ)

الْفَ : نکاشت (مضارع: يُؤَلِّفُ)

أَنْشَأَ : ساخت (مضارع: يَنْشِئُ)

تَارَةً : یک بار = مَرَّةً

تَجْبِيلٌ : بزرگداشت

أَكْتُبْ جَوَاباً قَصِيراً، حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

١- إِلَى مَنْ ذَهَبَ مِهْرَانُ؟

٢- كَيْفَ يَجِبُ الْجُلُوسُ أَمَامَ الْمُعَلِّمِ؟

٣- كَيْفَ كَانَتْ أَخْلَاقُ الطَّالِبِ الَّذِي كَانَ يُلْتَفِتُ إِلَى الْوَرَاءِ؟

٤- مَا اسْمُ الْكِتَابِ الَّذِي قَرَأَهُ مِهْرَانُ فِي مَجَالِ التَّرْبِيَةِ وَ التَّعْلِيمِ؟

٥- فِي أَيِّ حِصَّةٍ كَانَ الطُّلَابُ يَسْتَمْعُونَ إِلَى كَلَامِ أَسْتَاذِ الْكِيمِيَاءِ؟



اعلموا

أَسْلُوبُ الشَّرْطِ وَ أَدَوَاتُهُ

■ مهم‌ترین ادوات شرط عبارت‌اند از: «مَنْ، ما و اِنْ». معمولاً این ادوات بر سر عبارتی می‌آیند که دو فعل دارد، فعل اول، فعل شرط و فعل دوم، جواب شرط نام دارد. این ادوات در معنای فعل و جواب شرط تغییراتی را ایجاد می‌کنند؛ مثال:

مَنْ يُفَكِّرْ قَبْلَ الْكَلَامِ، يَسْلَمْ مِنَ الْخَطَا غَالِباً.^۱

جواب شرط

فعل شرط

ادوات شرط

اِنْ تَحْتَرِمُوا الْآخِرِينَ، تَكْتَسِبُوا حُبَّهُمْ.

جواب شرط

فعل شرط

ادوات شرط

■ گاهی نیز جواب شرط به صورت جمله اسمیه است؛ مثال:

﴿وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ﴾^۲ اَلطَّلَاقُ: ۳

جواب شرط

فعل شرط

ادوات شرط

■ وقتی ادوات شرط بر سر جمله‌ای بیاید که فعل شرط و جواب آن ماضی باشد، می‌توانیم فعل شرط را مضارع التزامی و جواب آن را مضارع اخباری ترجمه کنیم.

مَنْ فَكَّرَ قَبْلَ الْكَلَامِ، قَلَّ خَطْوُهُ.



هرکس پیش از سخن گفتن بیندیشد، خطایش کم می‌شود.

هرکس پیش از سخن گفتن اندیشید، خطایش کم شد.

۱- معمولاً ادوات شرط «مَنْ»، «ما» و «اِنْ» در شکل ظاهری فعل شرط و جواب شرط (هنگامی که مضارع هستند)، تغییراتی را انجام می‌دهند. با این تغییرات در پایه نهم در فعل نهی آشنا شده بودید. این کلمات، نشانه‌ی انتهای فعل‌های «تَفَعَّلَ، تَفَعَّلَ، تَفَعَّلَ و تَفَعَّلَ» را تغییر می‌دهند. «... تَفَعَّلَ ... تَفَعَّلَ ... تَفَعَّلَ ... تَفَعَّلَ» و حرف نون را در انتهای فعل‌های «يَفْعَلُونَ، يَفْعَلُونَ، يَفْعَلُونَ، يَفْعَلُونَ» حذف می‌کنند. این حروف در شکل ظاهر دو فعل جمع مؤنث «يَفْعَلْنَ» و «تَفَعَّلْنَ» هیچ تغییری ایجاد نمی‌کنند.

۲- حَسْبُ: بس، کافی

۳- يَتَوَكَّلْ: توکل کند

■ و هرگاه فعل شرط مضارع باشد، به صورت مضارع التزامی ترجمه می‌شود.

■ «مَنْ: هرکس» مثال:



مَنْ يُحَاوِلْ كَثِيرًا، يَصِلْ إِلَى هَدَفِهِ.

هرکس بسیار تلاش کند، به هدفش می‌رسد.

■ «مَا: هرچه» مثال:



مَا تَزْرَعُ فِي الدُّنْيَا، تَحْصُدُ فِي الْآخِرَةِ.

هرچه در دنیا بکاری، در آخرت درو می‌کنی.

مَا فَعَلْتَ مِنَ الْخَيْرَاتِ، وَجَدْتَهَا ذَخِيرَةً لِآخِرَتِكَ.

هرچه از کارهای نیک انجام بدهی، آنها را اندوخته‌ای برای آخرت می‌یابی.

■ «إِنْ: اگر» مثال:



إِنْ تَزْرَعُ خَيْرًا، تَحْصُدُ سُورًا.

اگر نیکی بکاری، شادی درو می‌کنی.

إِنْ صَبَرْتَ، حَصَلَتْ عَلَيَّ النِّجَاحُ فِي حَيَاتِكَ.

اگر صبر کنی، در زندگی‌ات موفقیت به دست می‌آوری.



■ «إِذَا: هرگاه، اگر»؛ نیز معنای شرط دارد؛ مثال:



إِذَا اجْتَهَدْتَ، نَجَحْتَ.

هرگاه (اگر) تلاش کنی، موفق می‌شوی.

اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمِ مَا يَلِي^١، ثُمَّ عَيِّنْ أَدَاةَ الشَّرْطِ وَفِعْلَ الشَّرْطِ، وَجَوَابَهُ.

١ ﴿وَمَا تَقْدِمُوا^٢ لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ﴾ الْبَقَرَةُ: ١١٠

٢ ﴿إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُنَبِّتْ^٣ أَقْدَامَكُمْ﴾ مَقَّصِد: ٧

٣ ﴿وَإِذَا خَاطَبْتَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا^٤﴾ الْفُرْقَان: ٦٣



٤ ﴿إِنْ تَزْعَوُا الْعُدْوَانَ، تَحْضُدُوا الْخُسْرَانَ.

١- ما يلي: آنچه می آید ٢- ما تقدموا: هرچه را از پیش بفرستید ٣- ينبت: استوار می سازد

٤- خاطب: خطاب کرد ٥- سلام: سخن آرام



التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ: عَيِّنِ الْجُمْلَةَ الصَّحِيحَةَ وَ غَيِّرِ الصَّحِيحَةَ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ.

١- أَلْتَعَنْتُ طَرْحَ سُؤَالٍ صَعِبٍ يَهْدَفُ إِيجَادِ مَشَقَّةٍ لِلْمَسْؤُولِ.

٢- عِلْمُ الْأَحْيَاءِ عِلْمٌ مُطَالَعَةٌ حَوَاصُّ الْعَنَاصِرِ.

٣- الْإِلْتِفَاتُ هُوَ كَلَامٌ حَفِيٌّ بَيْنَ شَخْصَيْنِ.

٤- السَّبُورَةُ لَوْحٌ أَمَامَ الطَّلَابِ يُكْتَبُ عَلَيْهِ.

التَّمْرِينُ الثَّانِي: تَرْجِمِ الْآيَةَ وَالْأَحَادِيثَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.

١- ﴿وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ قَبِلَ اللَّهُ بِهِ عَلِيمٌ﴾ الْبَقَرَةُ: ٢٧٣ (الْمَجْرُورُ بِحَرْفِ جَرٍّ)

٢- مَنْ عَلَّمَ عِلْمًا، فَلَهُ أَجْرٌ مَن عَمِلَ بِهِ لَا يَنْقُصُ مِنْ أَجْرِ الْعَامِلِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ (اسْمُ الْفَاعِلِ)

٣- النَّاسُ أَعْدَاءُ مَا جَهِلُوا. الْإِمَامُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي تَالِبٍ (الْجَمْعُ الْمَكْسَرُ وَ مُفْرَدَةٌ)

٤- إِذَا تَمَّ الْعَقْلُ نَقَّضَ الْكَلَامُ. الْإِمَامُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي تَالِبٍ (الْفَاعِلُ)

٥- أَلْعَالِمُ حَيٌّ وَإِنْ كَانَ مَيِّتًا. الْإِمَامُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي تَالِبٍ (الْمُبْتَدَأُ وَ الْخَبَرُ)

٦- قُمْ عَنِّ مَجْلِسِكَ لِأَبِيكَ وَ مُعَلِّمِكَ وَإِنْ كُنْتَ أَمِيرًا. الْإِمَامُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي تَالِبٍ (اسْمُ الْمَكَانِ وَ اسْمُ الْفَاعِلِ)

١- الْأَجْرُ: بِإِذْنِ، مَزْد ٢- جَهْلٌ: نَدَانَسْتُ ٣- أَلْمَيِّتُ: مُرَدَّة ٤- وَ إِنْ كُنْتَ أَمِيرًا: أَرْجَاهُ فَرْمَانِدُهُ بِأَشَى

التَّمرينُ الثَّالثُ: تَرْجِمِ الأفعالَ وَ المَصَدِرَ الثَّالِثَةَ.

المَصَدِر	الأَمْرُ وَ النُهْيُ	المُضارعُ وَ المُستقبَلُ	الماضي
إِنقاذ: نجات دادن	أَنقِذْ:	يُنقِذُ: نجات می دهد	قَدْ أَنقَذَ:
إبتعاد: دور شدن	لا تَبتَعِدْ:	لا يَبتَعِدُ: دور نمی شود	إبتَعَدَ:
إلتسحاب: عقب نشینی کردن	لا تَلتَسَحِبْ:	سَيَلتَسَحِبُ:	إلتَسَحَبَ: عقب نشینی کرد
إستخدام:	إستخدِمْ: به کار بگیر	يَستخدِمُ:	إستخدَمَ: به کار گرفت
مُجالسة:	جالِسْ:	يُجالِسُ: هم نشینی می کند	جالَسَ: هم نشینی کرد
تَدَكَّرْ: به یاد آوردن	لا تَتَدَكَّرْ:	يَتَدَكَّرُ:	تَدَكَّرَ: به یاد آورد
تَعائش: همزیستی کردن	تَعائشْ: همزیستی کن	يَتَعائشُ:	تَعائشَ:
تَحريم:	لا تُحرِّمْ:	يُحرِّمُ: حرام می کند	قَدْ حَرَّمَ: حرام کرده است

التمرين الرابع: صَعِّ هَذِهِ الْجُمَلُ وَ التَّرَاكِيِبَ فِي مَكَانِهَا الْمُنَاسِبِ.

هُؤْلَاءِ نَاجِحَاتٌ / هُذَانِ الْمَكِّيْفَانِ / تِلْكَ الْحِصَّةُ / أَوْلَيْكَ مُسْتَمِعُونَ / هُؤْلَاءِ جُنُودٌ / هَاتَانِ الْبِطَاقَتَانِ

مفرد مؤنث	مثنى مذكر	مثنى مؤنث	جمع مذكر سالم	جمع مؤنث سالم	جمع مكسر

التمرين الخامس: صَعِّ الْمُرَادِفَاتِ وَ الْمُتَضَادَاتِ فِي مَكَانِهَا الْمُنَاسِبِ. (=) (≠)

وُدٌّ / بَعْدٌ / تَكْلَمٌ / اجْلِسْ / نِهَائِيَّةٌ / عِدَاوَةٌ / احْتِرَامٌ / أَحْيَاءٌ / مَرَّةٌ / نَفْعٌ / ذَنْبٌ / هَرَبٌ

إِثْمٌ =	تَبَجُّيلٌ =	تَارَةٌ =	حُبٌّ =
فَرٌّ =	أَمْوَاتٌ ≠	دَنَا ≠	قَمٌّ ≠
ضَرٌّ ≠	بِدَايَةٌ ≠	سَكَتٌ ≠	صِدَاقَةٌ ≠

التَّمْرِينُ السَّادِسُ: اكْمِلْ تَرْجَمَهُ مَا يَلِي، ثُمَّ عَيِّنْ أَدَاةَ الشَّرْطِ وَفِعْلَ الشَّرْطِ، وَجَوَابَهُ.

۱- «وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمُهُ اللَّهُ» البقرة: ۱۹۷

و آنچه را از کار نیک ، خدا آن را می‌داند. (از آن آگاه است).

۲- «إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ» الإسراء: ۷

اگر نیکی کنید، به خودتان

۳- «إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا» الأنفال: ۳۹

اگر از خدا پروا کنید، برایتان نیروی تشخیص حق از باطل

۴- إِذَا غَضِبْتُ، فَاسْكُتْ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

هرگاه خشمگین شدی،

۵- مَنْ سَأَلَ فِي صَعْرِهِ، أَجَابَ فِي كِبَرِهِ. الْإِمَامُ عَلِيُّ ﷺ

هرکس در خردسالی اش بپرسد، در بزرگسالی اش

التَّمْرِينُ السَّابِعُ: صَعِّ فِي الدَّائِرَةِ الْعَدَدَ الْمُنَاسِبِ. «كَلِمَةٌ وَاحِدَةٌ زَائِدَةٌ»

۱- الْمَشَاغِبُ : هُوَ تَحْرِيكُ الْوَجْهِ إِلَى الْيَمِينِ وَ إِلَى الْيَسَارِ.

۲- الْحِصَّةُ : هُوَ الَّذِي يُسَبَّبُ مَشَاكِلَ وَ يَضُرُّ النُّظْمَ.

۳- الْفُسُوقُ : مَا يُعْطَى مُقَابِلَ عَمَلٍ عَامِلٍ أَوْ مُوظَّفٍ.

۴- الْأَجْرُ : تَرَكَ أَمْرَ اللَّهِ، وَ ارْتِكَابُ الْمَعَاصِي.

۵- الْإِلْتِفَاتُ : أَعْمَالُ الْإِنْسَانِ وَ أَخْلَاقُهُ.

۶- السُّلُوكُ :

التَّمْرِينُ الثَّامِنُ: اُكْتُبْ مُفْرَدَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ.

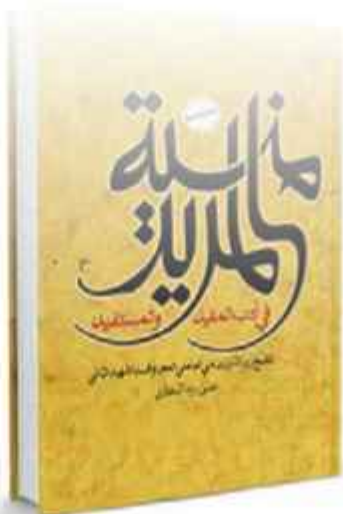
مَعاصِي	أَخْلَاقٍ	أَنْفُسٍ	أَحْيَاءٍ	أَمْوَاتٍ
.....
جُنُودٍ	بِطَاقَتَانِ	نَاجِحَاتٍ	أَعْدَاءٍ	طُلَّابٍ
.....
خَوَاصٍ	أَقْدَامٍ	فَسَاتِينِ	أَشْعَارٍ	دُنُوبٍ
.....
عُيُوبٍ	عُيُوبٍ	أَسْمَاءٍ	سَرَاوِيلٍ	مَلَاعِبٍ
.....
إِخْوَانٍ	عِبَادٍ	بِهَانِمٍ	أَفَاضِلٍ	كَبَائِرٍ
.....
تَرَائِبٍ	جَمَلٍ	أَعْمَالٍ	مُسْتَمِعُونَ	مُكَيِّفَانِ
.....

الْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

■ اُنْحَثْ فِي كِتَابِ «مُنِيَّةِ الْمُرِيدِ» لِزَيْنِ الدِّينِ الْعَامِلِيِّ «الشَّهِيدِ الثَّانِي» عَنْ نَصِّ قَاصِرٍ
حَوَّلَ آدَابَ التَّعْلِيمِ وَ التَّعَلُّمِ ثُمَّ اَكْتُبْهُ.



أَلْعَالِمُ كَمَنْ مَعَهُ شَمْعَةٌ تُضِيءُ لِلنَّاسِ. الْإِمَامُ مُحَمَّدُ الْبَاقِرُ ع





الدَّرْسُ الثَّالِثُ



﴿إِنَّ اللَّهَ فَالِقُ الْحَبِّ وَالنَّوَى يُخْرِجُ الْحَيَّ
مِنَ الْمَيِّتِ وَمُخْرِجُ الْمَيِّتِ مِنَ الْحَيِّ ...﴾

الأنعام: ٩٥

بی گمان خدا شکافنده دانه و هسته است.

زنده را از مرده بیرون می آورد و بیرون آورنده مرده از زنده است.

ظَوَاهِرُ الطَّبِيعَةِ تُثَبِّتُ حَقِيقَةً وَاحِدَةً وَهِيَ قُدْرَةُ اللَّهِ، وَالآنَ نَصِفُ بَعْضَ هَذِهِ الظَّوَاهِرِ:



الْعِنَبُ الْبِرَازِيلِي شَجَرَةٌ تَخْتَلِفُ عَنْ
بَاقِي أَشْجَارِ الْعَالَمِ، تَنْبُتُ فِي الْبِرَازِيلِ،
وَ تَنْمُو أُنْمَارُهَا عَلَى جِلْعِهَا، وَ مِنْ أَهَمِّ
مُوصَفَاتِ هَذِهِ الشَّجَرَةِ أَنَّهَا تُغَطِّي أُنْمَاراً
طَوَّلَ السَّنَةِ.



شَجَرَةُ السُّكُوبَا شَجَرَةٌ مِنْ أَطْوَلِ أَشْجَارِ
الْعَالَمِ فِي كَالِيفُورِنِيَا، قَدْ يَبْلُغُ ارْتِفَاعُ بَعْضِهَا
أَكْثَرَ مِنْ مِئَةِ مِترٍ وَ قَدْ يَبْلُغُ قُطْرُهَا تِسْعَةَ
أَمْتَارٍ، وَ يَزِيدُ عُمرُهَا عَلَى ثَلَاثَةِ آلَافٍ وَ
خَمْسِمِئَةِ سَنَةٍ تَقْرِيباً.



الشَّجَرَةُ الْخَائِفَةُ شَجَرَةٌ تَنُمُو فِي بَعْضِ
الْغَابَاتِ الْإِسْتَوَائِيَّةِ، تَبْدَأُ حَيَاتَهَا بِالْإِتِّفَافِ
حَوْلَ جِذَعِ شَجَرَةٍ وَ عَصُونِهَا، ثُمَّ تَخْتَفُّهَا
تَدْرِيجِيًّا. يَوْجَدُ نَوْعٌ مِنْهَا فِي جَزِيرَةِ قِشْمِ
الَّتِي تَقَعُ فِي مُحَافَظَةِ هُرْمُزْجَانِ.



مَدِينَةُ بُرْدُخُونِ فِي مُحَافَظَةِ بوشهر.



شَجَرَةُ الْخُبْزِ شَجَرَةٌ اسْتَوَائِيَّةٌ تَنُمُو فِي
جُزْرِ الْمُحِيطِ الْهَادِي، تَحْمِلُ أَثْمَارًا فِي
نَهَائَةِ أَغْصَانِهَا كَالْخُبْزِ. يَأْكُلُ النَّاسُ لُبَّ
هَذِهِ الْأَثْمَارِ.

شَجَرَةُ النَّفْطِ شَجَرَةٌ يَسْتَعْدِمُهَا **الْمُزَارِعُونَ كَسِيحًا** حَوْلَ الْمَزَارِعِ لِحِمَايَةِ **مَحَاصِلِهِمْ** مِنَ الْحَيَوَانَاتِ؛ لِأَنَّ رَائِحَةَ هَذِهِ الشَّجَرَةِ كَرِيهَةٌ تَهْرُبُ مِنْهَا الْحَيَوَانَاتُ، وَتَحْتَوِي **بُذُورَهَا** عَلَى مِقْدَارٍ مِنَ الزُّيُوتِ لَا **يَسَبِّبُ** اشْتِعَالَهَا خُرُوجَ أَيِّ **غَازَاتٍ مُلَوِّتَةٍ**. وَ يُمَكِّنُ إِنتَاجَ النَّفْطِ مِنْهَا. وَ يَوجَدُ نَوْعٌ مِنْهَا فِي مَدِينَةِ نِيكَشَهْر بِمُحَافَظَةِ سِيستَان وَ بَلُوشِستَان بِاسْمِ شَجَرَةِ مِدَاد.



شَجَرَةُ الْبَلُوطِ هِيَ مِنَ **الْأَشْجَارِ الْمُعَمَّرَةِ** وَ قَدْ تَبَلَّغَ مِنَ الْعُمُرِ أَلْفِي سَنَةٍ. تَوْجَدُ غَابَاتُ جَمِيلَةٌ مِنْهَا فِي مُحَافَظَتِي إِيلام وَ لُرِستَان. يَذْفِنُ السَّنَجَابُ بَعْضَ **جَوَازِ** الْبَلُوطِ السَّلِيمَةِ تَحْتَ التُّرَابِ، وَ قَدْ يَنْسُو مَكَانَهَا. وَ فِي السَّنَةِ الْقَادِمَةِ تَنْمُو تِلْكَ الْجَوَازَةُ وَ تَصِيرُ شَجَرَةً.



قَالَ الْإِمَامُ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ :

﴿ **إِزْرَعُوا وَ اغْرِسُوا، ... وَ اللَّهُ مَا عَمِلَ النَّاسُ عَمَلًا أَحَلَّ وَ لَا أُطِيبَ مِنْهُ.** ﴾

کشاورزی کنید و نهال بکارید، ... به خدا سوگند مردم کاری را حلالتر و خوبتر از آن انجام نداده‌اند.

أَحَلَّ : حلال تر، حلال ترین

اشْتَعَالَ : برافروخته شدن، سوختن
(اشْتَعَلَ، يَشْتَعِلُ)

أَطْيَبَ : خوب تر، خوب ترین = أَحْسَنَ،
أَفْضَلَ

أَغْصَانُ، عُصُونُ : شاخه ها
«مفرد: عُصْنٌ»

الْتِفَافُ : در هم پیچیدن
(الْتَفُّ، يَلْتَفُّ)

بُذُورُ : دانه ها «مفرد: بَذْرٌ»

جَدَعٌ : تنه «جمع: جُدُوعٌ»

جُزُرٌ : جزیره ها «مفرد: جَزِيرَةٌ»

جَوْزَةٌ : دانه گردو، بلوط و مانند آن
خَنَقٌ : خفه کرد (مضارع: يَخْنُقُ)

خَانِقٌ : خفه کننده

سَبَبٌ : سبب شد (مضارع: يَسَبُّ)

سِيَاحٌ : پرچین

غَازٌ : گاز

فَالِقٌ : شکافنده

لَبٌّ : مغز میوه

مَحَاصِلُ : محصولات

الْمُحِيطُ الْهَادِيُّ : اقیانوس آرام

مُزَارِعٌ : کشاورز = زَارِعٌ، فَلَاحٌ

مُعَمَّرٌ : کهن سال

مُلُوثٌ : آلوده کننده

مُؤَاصِفَاتٌ : ویژگی ها

نَبَتٌ : روید (مضارع: يَنْبِتُ)

نَصِيفٌ : توصیف می کنیم

نَوِيٌّ : هسته

ضَعِ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

۱- تَبَدُّأُ الشَّجَرَةُ الْخَانِيقَةُ حَيَاتَهَا بِ..... حَوْلَ جَدْعِ شَجَرَةٍ وَ عُصُونِهَا.

۲- لَا يُسَبُّ اشْتِعَالَ زُيُوتِ شَجَرَةِ النَّفْطِ خُرُوجَ آثِي..... مُلُوثَةٍ.

۳- تَوْجَدُ غَابَاتٌ جَمِيلَةٌ مِنْ أَشْجَارِ الْبَلُوطِ فِي..... إِيْلَامَ وَ لُرِسْتَانَ.

۴- قَدْ يَبْلُغُ ارْتِفَاعُ بَعْضِ أَشْجَارِ السُّكُوبَا أَكْثَرَ مِنْ..... مِثْرٍ.

۵- تَحْمِلُ شَجَرَةُ الْخُبْزِ أَثْمَارًا فِي نِهَائِهِ..... كَالْخُبْزِ.

۶- تَنْمُو أَثْمَارُ الْعِنَبِ الْبِرَازِيلِيِّ عَلَى..... شَجَرَتِهِ.

اعلموا

الْمَعْرِفَةُ وَ النَّكْرَةُ

■ اسم **معرفه** اسمی است که نزد گوینده و شنونده، یا خواننده **شناخته** شده است؛ اما

اسم **نکره**، **ناشناخته** است. مهم‌ترین نشانه اسم معرفه، داشتن «ال» است؛ مثال:

جاءَ مُدَرِّسٌ: معلمی آمد.	جاءَ المُدَرِّسُ: معلم آمد.
وَجَدْتُ قَلَمًا: قلمی را یافتم.	وَجَدْتُ القَلَمَ: قلم را یافتم.

■ معمولاً هرگاه اسمی به صورت نکره بیاید و همان اسم دوباره همراه «ال» تکرار شود،

می‌توان الف و لامش را «این» یا «آن» ترجمه کرد؛ مثال:

رَأَيْتُ أَفْرَاسًا. كَانَتْ الأَفْرَاسُ جَنَبَ صَاحِبِهَا.

اسب‌هایی را دیدم. آن اسب‌ها کنار صاحبشان بودند.



کلمه **أفراساً** «نکره» است. اسم نکره نزد گوینده، شنونده، یا خواننده ناشناخته است؛ اسم

نکره معمولاً تنوین (ـَ، ـِ، ـُ) دارد؛ مثال: رَجُلًا، رَجُلٍ و رَجُلٌ

در زبان فارسی اسم نکره به سه صورت می‌آید:

مردی آمد. / یک مرد آمد. / یک مردی آمد.

معادل عربی هر سه جمله بالا می‌شود: جاءَ رَجُلٌ.

- اسم خاص (یعنی نام مخصوص کسی یا جایی) در زبان عربی «اسم عَلَم» نامیده می‌شود و معرفه به شمار می‌رود؛ مانند: هاشم، مریم، بغداد، بیروت و ...
- اسم عَلَم، مانند: عَبَّاسٌ، كَازِمٌ و حُسَيْنٌ تنوین دارد، ولی نکره نیست؛ بلکه معرفه است.
- سال گذشته با مبتدا و خبر آشنا شدید. گاهی خبر تنوین دارد؛ مثال:
 الْعِلْمُ كَنْزٌ. دانش گنج است. قَرِيفُنَا فَائِزٌ. تیم ما برنده است.
- در دو مثال بالا كَنْزٌ و فَائِزٌ تنوین دارند؛ اَمَّا نیازی به نکره معنا کردن نیست.

إِخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرَجِّمْ مَا يَلِي حَسَبَ قَوَاعِدِ الْمَعْرِفَةِ وَ النِّكْرَةِ.

۱۷ ﴿اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي رُجَاةٍ الرُّجَاةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ﴾ النور: ۳۵



۲ ﴿... أَرْسَلْنَا إِلَى فِرْعَوْنَ رَسُولًا فَعَصَى فِرْعَوْنُ الرَّسُولَ...﴾ القمل: ۱۵ و ۱۶

۳ عَالِمٌ يُنْتَفَعُ بِعِلْمِهِ، خَيْرٌ مِنْ أَلْفٍ عَابِدٍ. رسول الله ﷺ

در گروه‌های دو نفره شبیه گفت‌وگوی زیر را اجرا کنید.

جواز

(في الملعب الرياضي)

إبراهيم	إسماعيل
لِمُشَاهَدَةِ أَيِّ مُبَارَاةٍ؟	تَعَالَ نَذْهَبْ إِلَى الْمَلْعَبِ.
بَيْنَ مَنْ هَذِهِ الْمُبَارَاةِ؟	لِمُشَاهَدَةِ مُبَارَاةِ كُرَةِ الْقَدَمِ.
الْفَرِيقَانِ تَعَادَلَا قَبْلَ أُسْبُوعَيْنِ.	بَيْنَ فَرِيقِ الصَّدَاقَةِ وَ السَّعَادَةِ.
أَيُّ الْفَرِيقَيْنِ أَقْوَى؟	أَتَذَكَّرُ ذَلِكَ.
عَلَى عَيْنِي. تَعَالَ نَذْهَبْ.	كَلَّا هُمَا قَوِيَانِ. عَلَيْنَا بِالذَّهَابِ إِلَى الْمَلْعَبِ قَبْلَ أَنْ يَمْتَلِئَا مِنَ الْمُتَفَرِّجِينَ!

في الملعب

هُوَ هَجَمَ عَلَى مَرْمَى فَرِيقِ السَّعَادَةِ. هَدَفَ، هَدَفَ!	أُنظُرْ! جَاءَ أَحَدُ مُهَاجِمِي فَرِيقِ الصَّدَاقَةِ. سَيَسْجَلُ هَدَفًا!
رُبَّمَا يَسَبِّبُ تَسَلُّلًا!	لَكِنَّ الْحَكَمَ! مَا قَبْلَ الْهَدَفِ! لِمَاذَا؟!
يُعْجِبُنِي "جِدًّا حَارِشُ مَرْمَى" فَرِيقِ السَّعَادَةِ!	أُنظُرْ، هَجَمَةٌ قَوِيَّةٌ مِنْ جَانِبِ لَاعِبِ فَرِيقِ الصَّدَاقَةِ.
مَنْ يَسْجَلُ هَدَفًا يَذْهَبُ إِلَى النِّهَائِيِّ.	مَنْ يَذْهَبُ إِلَى النِّهَائِيِّ؟
لَقَدْ تَعَادَلَا مَرَّةً ثَانِيَةً بِلَا هَدَفِ.	الْحَكَمُ يَصْفُرُ.



- ۱- المُبَارَاة: مسابقه
- ۲- تَعَادَل: برابر شد
- ۳- أَتَذَكَّرُ: به یاد می‌آورم
- ۴- کَلَّا: هر دو
- ۵- أَنْ يَمْتَلِئَا: که پر شود
- ۶- الْمُتَفَرِّج: تماشاچی
- ۷- سَيَسْجَلُ: ثبت خواهد کرد
- ۸- الْهَدَف: گل
- ۹- الْمَرْمَى: دروازه
- ۱۰- الْحَكَم: داور
- ۱۱- التَّسَلُّل: افساید
- ۱۲- يُعْجِبُنِي: مرا در شگفتی می‌آورد، خوشم می‌آید (أعجب، يُعْجِب)
- ۱۳- حَارِشُ الْمَرْمَى: دروازه‌بان

التَّمرِينُ الْأوَّلُ: أَيُّ كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ مُعْجَمِ الدَّرْسِ تُنَاسِبُ التَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةَ؟

- ١- بَحْرٌ يُعَادِلُ ثُلُثَ الْأَرْضِ تَقْرِيْباً. _____
- ٢- التَّجْمَعُ وَ الدَّوْرَانُ حَوْلَ شَيْءٍ. _____
- ٣- الَّذِي يُعْطِيهِ اللَّهُ عُمْراً طَوِيلاً. _____
- ٤- الَّذِي يَعْمَلُ فِي المَرْزَعَةِ. _____
- ٥- صِفَاتُ أَحَدٍ أَوْ شَيْءٍ. _____

التَّمرِينُ الثَّانِي: تَرْجِمِ الْأَحَادِيثَ التَّبَوِيَّةَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.

- ١- مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَزْرَعُ زَرْعاً أَوْ يَغْرِسُ عَرْساً فَيَأْكُلُ مِنْهُ ظَيْرٌ أَوْ إِنْسَانٌ أَوْ بَهِيمَةٌ إِلَّا كَانَتْ لَهُ بِهِ صَدَقَةٌ. (الْأَجَارُ وَالْمَجْرُورُ، وَاسْمُ الْفَاعِلِ)



- ٢- مَا مِنْ رَجُلٍ يَغْرِسُ عَرْساً إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ مِنْ الْأَجْرِ قَدْرَ مَا يَخْرُجُ مِنْ شَمْرِ ذَلِكَ الْعَرْسِ. (الْفِعْلُ الْمَاضِي، وَالْمَفْعُولُ)

- ٣- سُئِلَ النَّبِيُّ ﷺ: أَيُّ الْمَالِ خَيْرٌ؟ قَالَ: زَرْعٌ زَرَعَهُ صَاحِبُهُ. (الْفِعْلُ الْمَجْهُولُ، وَالْفَاعِلُ)

التمرين الثالث: أجب عن الأسئلة التالية حسب الصور.



في أي بلاد تقع هذه الأهرام؟



بمّ يذهب الطلاب إلى المدرسة؟



لمنّ هذا التمثال؟



كيف الجوّ في أربيل في الشتاء؟



ماذا تشاهد فوق النهر؟



هل تشاهد وجهاً في الصورة؟

ألف: عَيْنِ التَّرْجَمَةِ الصَّحِيحَةَ حَسَبَ قَوَاعِدِ الْمَعْرِفَةِ وَ التَّنْكِرَةِ.

۱- سَمِعْتُ صَوْتًا عَجِيبًا.

- صدای عجیبی را شنیدم. صدای عجیب را شنیدم.

۲- وَصَلْتُ إِلَى الْقَرْيَةِ.

- به روستای رسیدم. به روستا رسیدم.

۳- نَظَرْتُ إِلَى الْمَاضِي

- نگاهى به گذشته نگاه به گذشته

۴- الْعِبَادُ الصَّالِحُونَ

- بندگانِ درستکار بندگانِ درستکار

۵- السُّوَارُ الْعَتِيقُ

- دستبندِ کهنه دستبندی کهنه

۶- التَّارِيخُ الدَّهَبِيُّ

- تاریخی زرین تاریخ زرین



ب: تَرَجِمِ الْجُمْلَةَ التَّالِيَةَ حَسَبَ قَوَاعِدِ الْمَعْرِفَةِ وَ النَّكِرَةِ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَعْرِفَةَ وَ النَّكِرَةَ فِي مَا أُشِيرَ إِلَيْهِ بِحُطٍّ.



سَجَلَتْ مُنْتَظَمَةُ الْيُونِسْكَو مَسْجِدَ الْإِمَامِ وَ قُبَّةَ قَابُوسٍ فِي قَائِمَةِ التَّرَاثِ الْعَالَمِيِّ.



عِمَارَةُ حُسْرُو أَبَادٍ فِي سَنَنْدِجِ تَجَذِبُ سِيَاحًا مِنْ مَدِينِ إِيرَانَ. حَدِيقَةُ شَاهِرَزَادَةِ قُرْبِ كِرْمَانَ جَنَّةٌ فِي الصَّحْرَاءِ.



مَعْبَدُ كَرْدْ كَلَا فِي مُحَافِظَةِ مَازَنْدَرَانَ أَحَدُ الْآثَارِ الْقَدِيمَةِ.

١- أشير: اشاره شد
٢- قَائِمَةُ التَّرَاثِ الْعَالَمِيِّ: لیست میراث جهانی
٣- تکیه کورد کلا از آثار ملی ایران در شمال شهرستان جویبار

التمرين الخامس: عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الصَّحِيحَةَ حَسَبَ الْفِعْلِ الْمَاضِي.

الْفِعْلُ الْمَاضِي	الْفِعْلُ الْمُضَارِعُ	فِعْلُ الْأَمْرِ	الْمَصْدَرُ	اسْمُ الْفَاعِلِ
وَافَقَ	<input type="checkbox"/> يُوَافِقُ	<input type="checkbox"/> وَاْفِقُ	<input type="checkbox"/> تَوَافِقُ	<input type="checkbox"/> مُوَافِقُ
	<input type="checkbox"/> يُوَفِّقُ	<input type="checkbox"/> وَفَّقِي	<input type="checkbox"/> مُوَافِقَةٌ	<input type="checkbox"/> مُوَفِّقُ
تَقَرَّبَ	<input type="checkbox"/> يَتَقَرَّبُ	<input type="checkbox"/> قَرَّبُ	<input type="checkbox"/> تَقَرَّبُ	<input type="checkbox"/> مُتَقَرَّبُ
	<input type="checkbox"/> يَتَقَرَّبُ	<input type="checkbox"/> تَقَرَّبْ	<input type="checkbox"/> تَقْرِبُ	<input type="checkbox"/> مُتَقَرَّبُ
تَعَارَفَ	<input type="checkbox"/> يَتَعَارَفُ	<input type="checkbox"/> تَعَارَفُ	<input type="checkbox"/> مُعَارَفَةٌ	<input type="checkbox"/> مُتَعَارِفُ
	<input type="checkbox"/> يَتَعَارَفُ	<input type="checkbox"/> اِغْرِفُ	<input type="checkbox"/> تَعَارَفُ	<input type="checkbox"/> مُعَرِّفُ
اِسْتَعْمَلَ	<input type="checkbox"/> يَسْتَعْمِلُ	<input type="checkbox"/> اِسْتَعْمَلُ	<input type="checkbox"/> اِسْتِعْمَالُ	<input type="checkbox"/> مُسْتَعْمِلُ
	<input type="checkbox"/> يَسْتَعْمِلُ	<input type="checkbox"/> اِسْتَعْمِلْ	<input type="checkbox"/> اِسْتِعْمَالُ	<input type="checkbox"/> مُنْشِعِلُ
اِنْفَتَحَ	<input type="checkbox"/> يَفْتَتِحُ	<input type="checkbox"/> اِنْفَتِحْ	<input type="checkbox"/> اِسْتِفْتِاحُ	<input type="checkbox"/> مُتَفَتِّحُ
	<input type="checkbox"/> يَنْفَتِحُ	<input type="checkbox"/> تَفْتَحْ	<input type="checkbox"/> اِنْفِتَاحُ	<input type="checkbox"/> مُنْفَتِحُ
اِسْتَرْجَعَ	<input type="checkbox"/> يَسْتَرْجِعُ	<input type="checkbox"/> اِسْتَرْجِعْ	<input type="checkbox"/> اِرْتِجَاعُ	<input type="checkbox"/> مُسْتَرْجِعُ
	<input type="checkbox"/> يَرْتَجِعُ	<input type="checkbox"/> رَاجِعُ	<input type="checkbox"/> اِسْتِرْجَاعُ	<input type="checkbox"/> مُرْجِعُ
نَزَلَ	<input type="checkbox"/> يَنْزِلُ	<input type="checkbox"/> اِنزِلْ	<input type="checkbox"/> نَزْوُلُ	<input type="checkbox"/> مُنَزَّلُ
	<input type="checkbox"/> يَنْزِلُ	<input type="checkbox"/> نَزَّلْ	<input type="checkbox"/> تَنْزِيلُ	<input type="checkbox"/> نَازِلُ
اَكْرَمَ	<input type="checkbox"/> يَكْرِمُ	<input type="checkbox"/> اَكْرِمْ	<input type="checkbox"/> اِكْرَامُ	<input type="checkbox"/> اَكْرَمُ
	<input type="checkbox"/> يَكْرُمُ	<input type="checkbox"/> كَرَّمْ	<input type="checkbox"/> تَكْرِيمُ	<input type="checkbox"/> مُكْرِمُ

التمرين السادس: صَعِّ فِي الْفُرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً.

- ١- يُشَجِّعُ الْ..... فَرِيْقَهُمْ فِي الْمَلْعَبِ. □ مُوَاصَفَاتُ □ مَتَاجِرُ □ مُتَفَرِّجُونَ □
- ٢- شُرْطِي الْمُرُورِ..... حَتَّى تَتَوَقَّفَ السَّيَّارَاتُ. □ يَصْفِرُ □ يَتَعَادَلُ □ يَمْتَلِي □
- ٣- وَضَعْتُ الْمِصْبَاحَ فِي..... الْبَيْتِ. □ تَحْفِيضُ □ مِفْتَاحُ □ مَشْكَاةُ □
- ٤- جَدِّي لَا..... بَعْضَ ذِكْرِيَاتِهِ. □ يَغْرَسُ □ يَتَذَكَّرُ □ يَنْبُتُ □
- ٥- شَارَكَ زُمْلَاؤُنَا فِي..... عِلْمِيَّةٍ. □ مُبَارَاةُ □ الْإِتْفَافِ □ بُذُورِ □
- ٦- سَجَّلَ لِاعْبِنَا..... رَائِعاً. □ حِدْعاً □ هَدَفاً □ نَوْعِيَّةُ □

التمرين السابع: أَكْتُبْ جَمْعَ هَذِهِ الْأَسْمَاءِ.

سَائِح =	أَثْر =	تَارِيخ =	قَرْيَةٌ =
عَبْد =	دَوْلَةٌ =	بَهِيْمَةٌ =	مَلْعَب =
رَسُول =	سِرْوَال =	عُضْن =	شَجَر =
زَيْت =	حَي =	قَبْر =	

الف: عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ. (حَسَبِ الْمَعْنَى)

- ١- بُدُورُ النَّبَاتِ جَوَازُ الْبَلُوطِ جِدَارُ الْعِمَارَةِ جُدُوعُ الْأَشْجَارِ
- ٢- حَارِسُ الْمَرْمَى كِرَّةُ الْقَدَمِ حَكْمُ الْمُبَارَاةِ زُجَاجَةُ الْمِصْبَاحِ
- ٣- مَدِينَةٌ بَهِيمَةٌ قَرْيَةٌ مُحَافَظَةٌ
- ٤- شُرْطِيٌّ حَبَّازٌ حَذَادٌ ذِكْرِيٌّ
- ٥- سِيَاحٌ آلَافٌ مِئَاتٌ عَشْرَاتٌ

ب: عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ. (حَسَبِ قَوَاعِدِ الْمَعْرِفَةِ وَ النَّكِرَةِ)

- ٦- يَمِثَالٌ إِيْلَامٌ سَتَنَدَجٌ كِرْمَانِشَاهٌ
- ٧- الْأُسْتِيَاحُ شَارِعٌ الْأَسَاحَةُ الْمُنْتَظَمَةُ
- ٨- الْفَرِيقُ الْهَدَفُ الْبَيْسَةُ الْمَتَفَرِّجُ
- ٩- سَعِيدٌ سِنَجَابٌ مَحْمُودٌ صَادِقٌ
- ١٠- فَاطِمَةٌ زَهْرَاءُ مَعْصُومَةٌ اِمْرَأَةٌ

أَلْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

إِتْحَافٌ عَنِ نَصِّ حَوَّلِ أَهْمِيَّةِ زِرَاعَةِ الْأَشْجَارِ.





الدَّرْسُ الرَّابِعُ



﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا﴾

الأحزاب، ٧٠

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا پروا کنید و سخنی درست و استوار بگویید.

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا ﴾ [الأحزاب: ٧٠]

لِلْكَلامِ آدَابٌ يَجِبُ عَلَى الْمُتَكَلِّمِ أَنْ يَعْمَلَ بِهَا وَيَدْعُوَ الْمُخاطَبِينَ بِكَلَامٍ جَمِيلٍ إِلَى الْعَمَلِ الصَّالِحِ، وَ أَنْ لَا يُجَادِلَهُمْ بِتَعَنُّتٍ ﴿ اذْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ ﴾ [النحل: ١٢٥]

وَ يَجِبُ أَنْ يَكُونَ عَامِلًا بِمَا يَقُولُ، حَتَّى يُغَيِّرَ سُلُوكَهُمْ، ﴿ لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ ﴾ [الصف: ٣] وَ يَجِبُ أَنْ يُسَلِّمَ قَبْلَ التَّكَلُّمِ «السَّلَامُ قَبْلَ الْكَلَامِ». الْإِمَامُ الصَّادِقُ عليه السلام، كَمَا يَجِبُ أَنْ يَكُونَ كَلَامُهُ لَيِّنًا وَ أَنْ يَكُونَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِ الْمُسْتَمْعِينَ، لَكِنِّي يُقَنِّعُهُمْ وَ يَكْتَسِبُ مَوَدَّتَهُمْ، «كَلِّم

النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ». رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله، وَ «عَوَّدَ لِسَانَكَ لِبِنِ الْكَلَامِ». الْإِمَامُ عَلِيُّ عليه السلام

وَ عَلَيْهِ أَنْ لَا يَتَكَلَّمَ فِي مَا لَيْسَ لَهُ بِهِ عِلْمٌ، ﴿ وَ لَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ ﴾ [الإسراء: ١٣]

وَ عَلَيْهِ أَنْ لَا يَتَدَخَّلَ فِي مَوْضِعٍ يُعْرَضُ نَفْسُهُ لِلتَّهْمِ: «اتَّقُوا مَوَاضِعَ التَّهْمِ». رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله



الْمُتَكَلِّمِ يُعْرِفُ بِكَلَامِهِ. «تَكَلَّمُوا تُعْرِفُوا،

فَإِنَّ الْمَرْءَ مُخْبِئٌ تَحْتَ لِسَانِهِ». الْإِمَامُ عَلِيُّ عليه السلام

فِي بَعْضِ الْأَوْقَاتِ قُدْرَةُ الْكَلَامِ أَقْوَى مِنَ السَّلَاحِ.

«رُبَّ كَلَامٍ كَالْحَسَامِ» الإمام علي عليه السلام

وَرُبَّ كَلَامٍ يَجْلِبُ لَكَ الْمَشَاكِلَ. «فَكَّرْتُ ثُمَّ تَكَلَّمْتُ نَسَلْتُ مِنَ الرَّزْلِ» الإمام علي عليه السلام

يَجِبُ عَلَى الْإِنْسَانِ الْاجْتِنَابُ عَنْ ذِكْرِ الْأَقْوَالِ الَّتِي فِيهَا اخْتِمَالُ الْكِذْبِ. «لَا تُحَدِّثْ بِمَا

تَخَافُ تَكْذِيبَهُ» الإمام علي عليه السلام

طُوبَى لِمَنْ لَا يَخَافُ النَّاسَ مِنْ لِسَانِهِ. «مَنْ خَافَ النَّاسَ مِنْ لِسَانِهِ فَهُوَ مِنْ

أَهْلِ النَّارِ» رسول الله ﷺ

وَمِنْ آدَابِ الْكَلَامِ قَلْبُهُ، «خَيْرُ الْكَلَامِ مَا قَلَّ وَدَلَّ» الإمام علي عليه السلام



وَقَفَّ رَجُلٌ حَمِيلَ الْمَظْهَرِ أَمَامَ سُقْرَاطَ
يَفْتَحِرُ بِمَلَابِسِهِ وَبِمَظْهَرِهِ، فَقَالَ لَهُ
سُقْرَاطُ: تَكَلَّمْ حَتَّى أَرَكَ.

۱- ما قَلَّ وَ دَلَّ: آنچه کم باشد و راهنمایی کند. (سخنی کوتاه که منظور را کامل به شنونده برساند.)

لِکَي يُفْنِعَ : تا قانع کند
(أَفْنَعُ، يُفْنِعُ)
لَيْسَ : نرم = خَشِين
لَيْسَ : نرمی = حُشُونَةٌ
مُخْبِئَةٌ : پنهان = خَفِي
يُعْرَضُ : در معرض می گذارد
(عَرَضَ: ماضی)

عَوَّدَ : عادت داد
(مضارع: يُعَوِّدُ)
قِلَّةٌ : کمی = كَثْرَةٌ
كَلِمٌ : سخن گفت = حَدَّثَ، تَكَلَّمَ
(مضارع: يُكَلِّمُ)
لَا تُحَدِّثُ : سخن نگو
(حَدَّثَ، يُحَدِّثُ)
لَا تُثْفُفُ : پیروی نکن (فَفَأَ، يُثْفِفُوا)

أَدْعُ : فرا بخوان
(دَعَا، يَدْعُو)
أَنْ لَا يَتَدَخَّلَ : که دخالت نکند
(تَدَخَّلَ، يَتَدَخَّلُ)
تُهْمٌ : تهمت ها «مفرد: تَهْمَةٌ»
زَلَّ : لغزش
سَدِيدٌ : درست و استوار
طَوْبِينَ لِي : خوشا به حال



عَيْنِ الصَّحِيحِ وَ الْخَطَا حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

.....

۱- الَّذِي يَتَكَلَّمُ فِي مَا لَا يَعْلَمُ، يَقَعُ فِي خَطَا.

.....

۲- مَنْ خَافَ النَّاسَ مِنْ لِسَانِهِ فَهُوَ قَوِيٌّ.

.....

۳- عَلَيْنَا أَنْ لَا نَجْرَحَ الْآخَرِينَ بِلِسَانِنَا.

.....

۴- الَّذِي لَا يَتَكَلَّمُ لَا يُعْرِفُ شَأْنَهُ.

.....

۵- لَا نُحَدِّثُ بِمَا نَخَافُ تَكْذِيبَهُ.

اعلموا

الْجُمْلَةُ بَعْدَ النَّكْرَةِ

■ معمولاً هنگامی که بعد از **اسمی نکره** فعلی بیاید که درباره آن اسم نکره توضیح دهد، در ترجمه به فارسی بعد از آن اسم حرف ربط «که» می آید و فعل، مطابق شرایط جمله ترجمه می شود؛ مثال:

شاهدنا **سِنجَاباً يَفْقِزُ مِنْ شَجَرَةٍ إِلَى شَجَرَةٍ**.

سنجابی را دیدیم **که** از درختی به درختی می پرید.



إرضاء الناس **غايةً** لا تُدرَك.

راضی ساختن مردم، هدفی است **که** به دست آورده نمی شود.

رَأَيْتُ **وَلَدًا يَمْشِي بِسُرْعَةٍ**.

پسری را دیدم **که** به سرعت راه می رفت.

■ عبارت (رَأَيْتُ **وَلَدًا يَمْشِي بِسُرْعَةٍ**) از دو جمله تشکیل شده، و بعد از **اسم نکره** «وَلَدًا» **فعل مضارع** آمده است که درباره «وَلَدًا» توضیح می دهد؛ در ترجمه فارسی بین دو جمله، حرف ربط «که» می آید و **فعل مضارع** نیز معمولاً **ماضی استمراری** ترجمه می شود.

ماضی + اسم نکره + مضارع ← ماضی استمراری
ترجمه

■ اما اگر فعلِ اوّل مضارع باشد، ترجمه فعل دوم چگونه خواهد بود؟ به مثال دقت کنید.

أَفْتَشُ عَنْ مُعْجَمٍ يُسَاعِدُنِي فِي فَهْمِ النُّصُوصِ.

دنبال فرهنگ لغتی می‌گردم که مرا در فهم متون کمک کند. (کمک می‌کند)

أَشَاهِدُ طَالِبًا يَكْتُبُ تَمَارِينَ الدَّرْسِ فِي الصَّفِّ.

دانش‌آموزی را می‌بینم که تمرین‌های درس را در کلاس می‌نویسد.

مضارع + اسم نکره + مضارع ⇐ مضارع التزامی یا مضارع اخباری

ترجمه



■ اکنون به ترجمه جمله زیر دقت کنید.

إِشْتَرَيْتُ الْيَوْمَ كِتَابًا قَدْ رَأَيْتَهُ مِنْ قَبْلُ.

امروز کتابی را خریدم که قبلاً آن را دیده بودم. (دیدم)

ماضی + اسم نکره + ماضی ⇐ ماضی بعید یا ماضی ساده

ترجمه

تذکر: ترجمه هنر است و باید در ترجمه به مطالب بسیاری مانند موضوع متن، قرائن و قواعد زبان مقصد توجه کرد.

إِخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمْ هَذِهِ الْعِبَارَةَ حَسَبَ قَوَاعِدِ الدَّرْسِ؛ ثُمَّ عَيِّنْ نَوْعَ الْأَفْعَالِ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَفْسٍ لَا تَشْبَعُ^۱ وَمِنْ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ^۲ وَمِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ^۳ وَ

مِنْ صَلَاةٍ لَا تَرْفَعُ^۴ وَمِنْ دُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ. (مِنْ تَعْقِيَاتِ صَلَاةِ الْعُطْرِ)

۱- لَا تَشْبَعُ: سیر نمی‌شود؛ ۲- لَا يَخْشَعُ: فروتنی نمی‌کند؛ ۳- لَا يَنْفَعُ: بالا برده نمی‌شود

التمرين الأول: املأ الفراغ في آيات نص الدرس و أحاديثه بكلماتٍ صحيحةٍ.

عِلْمٌ ، النَّارِ ، عُقُولِهِمْ ، الْحَسَنَةِ ، أَحْسَنُ ، لِسَانِهِ ، تَفْعَلُونَ

١- ﴿أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَ التَّمَعُّظَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي

هِيَ ﴿ النحل: ١٢٥

٢- ﴿وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ ﴿ الإسراء: ٣٦

٣- ﴿لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا ﴿ الصف: ٢

٤- كَلِمَ النَّاسِ عَلَيَّ قَدْرٍ رسول الله ﷺ

٥- تَكَلَّمُوا تُعْرَفُوا فَإِنَّ الْمَرْءَ مَخْبُوءٌ تَحْتِ الإمام علي عليه السلام

٦- مَنْ خَافَ النَّاسَ مِنْ لِسَانِهِ فَهُوَ مِنْ أَهْلِ رسول الله ﷺ



التمرين الثاني: تَرْجِمِ الْأَحَادِيثَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.

١- إِنْ مِنْ شَرِّ عِبَادِ اللَّهِ مَنْ تُكْرَهُ مُجَالَسَتُهُ لِفُحْشِيهِ . رسول الله ﷺ

(الْفِعْلُ الْمَجْهُولُ وَ الْجَارُ وَالْمَجْرُورُ)

٢- أَتَقَى النَّاسَ مَنْ قَالَ الْحَقَّ فِي مَا لَهُ وَ عَلَيْهِ . رسول الله ﷺ

(اسْمُ التَّمْضِيْلِ وَ الْمُضَافِ إِلَيْهِ)

٣- أَلْعِلْمُ نُورٌ وَ ضِيَاءٌ يَقْذِفُهُ اللَّهُ فِي قُلُوبِ أَوْلِيَائِهِ . رسول الله ﷺ

(الْمَبْتَدَأُ وَ الْفَاعِلُ)

٤- قُلِ الْحَقُّ وَ إِنْ كَانَ مُرًّا . رسول الله ﷺ

(فِعْلُ الْأَمْرِ وَ التَّفَعُّولُ)

٥- لَا تُثْقَلْ مَا لَا تُعَلِّمُ، بَلْ لَا تُثْقَلْ كُلَّ مَا تُعَلِّمُ. أمير المؤمنين علي عليه السلام

(الْمُضَارِعُ الْمَنْفِيُّ وَ فِعْلُ النَّهْيِ)



التفرین الثالث: ترجم کلمات الجدول، ثم اكتب رمزه.

يُجادِلُ / مِثْنانِ / تَعْلِمُ / حَفَلاتِ / أَفلامِ / اِمْرأةُ / مَعْمرةُ / مُزارِعِ / تَلْمِيزِ / رائحةُ
حاسوبِ / اَبْنااءِ / اَلْفانِ / اَزْهارِ / اَساورِ / اِعْصارِ / تَبْجِيلِ / ساحاتِ / كَبائِرِ

رمز ↓

<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	گرامی داشتن	(۱)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	کهنسال	(۲)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	ستیز می کند	(۳)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	یاد دادن	(۴)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	کشاورز	(۵)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	جشن ها	(۶)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	دانش آموز	(۷)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	زن	(۸)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	بو	(۹)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	دو هزار	(۱۰)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	گردباد	(۱۱)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	گناهان بزرگ	(۱۲)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	میدان ها	(۱۳)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	دویست	(۱۴)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	فیلم ها	(۱۵)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	رایانه	(۱۶)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	دستبندها	(۱۷)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	فرزندان	(۱۸)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	شکوفه ها	(۱۹)

قال رسول الله ﷺ:

«.....»

التمرين الرابع: عَيِّنْ فِي كُلِّ مَجْمُوعَةٍ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ.

- ١- الْقِشْر □ اللَّب □ التُّوَى □ الْغَاز □
- ٢- الْيَد □ الرَّأْس □ الْقَدَم □ السِّيَاح □
- ٣- الْإِثْم □ الذَّنْب □ الْحِصَّة □ الْخَطِيئَةُ □
- ٤- الثُّغْلَب □ الْكَلْب □ اللَّيْن □ الذَّنْب □
- ٥- الرُّيُوت □ المَزَارِع □ الْعَامِل □ الْمُؤَوِّظ □
- ٦- السَّرْوَال □ الْقَمِيص □ الْفُسْتَان □ السَّمَك □

التمرين الخامس: تَرَجِّمِ الْجُمْلَةَ التَّالِيَةَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.

١- سافرتُ إلى قريّةٍ شاهدتُ صورتها أيامَ صغري. (المَجْرُورُ بِحَرْفِ جَرٍّ وَالْمَفْعُولُ)

٢- عصفتُ رياحٌ شديدةٌ حرّبتُ بيتاً جنبَ شاطئِ البحرِ. (المَفْعُولُ وَ الْمُضَافُ إِلَيْهِ)

٣- وجدتُ برنامجاً يُساعدني على تعلّمِ العربيّةِ. (المَفْعُولُ وَ الْمُضَافُ إِلَيْهِ)

٤- الكتابُ صديقٌ يُنقذُكَ مِنْ مُصِيبَةِ الْجَهْلِ. (الْمُبْتَدَأُ وَ الْحَبَرُ)

٥- يُعجِبُنِي عيدٌ يفرّخُ فيه الفقراءُ. (الْجَمْعُ الْمَكْسُرُ وَ نَوْنُ الْوَقَايَةِ)

التَّمْرِينُ السَّادِسُ: عَيْنِ النَّبِيِّ الْفَارِسِيِّ الَّذِي يَرْتَبِطُ بِالْآيَةِ أَوْ الْحَدِيثِ فِي الْمَعْنَى.

۱- «وَلَا تَنَابَرُوا بِالْأَلْقَابِ» الْحُجُرَاتُ: ۱۱

۲- عَوَّدَ لِسَانِكَ لِيَسْنَ الْكَلَامَ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

۳- فَكَّرْتُكُمْ تَكَلَّمْتُمْ تَسَلَّمْتُمْ مِنَ الرَّزْلِ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

۴- أَكْبَرُ الْعَيْبِ أَنْ تَعْيِبَ مَا فِيكَ مِثْلَهُ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

۵- تَكَلَّمُوا تُعْرَفُوا؛ فَإِنَّ الْمَرْءَ مَخْبُوءٌ تَحْتَ لِسَانِهِ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

الف) تا مرد سخن نگویند باشد عیب و سرزنش نهفته باشد (اصدی شیرازی)

ب) سخن کلان از سر اندیشه ناید نوشتن را و گفتن را نشاید (نقاشی کجایی)

ج) به شیرین زبانی و لطف و خوشی توانی که خیلی به موی کشی (اصدی شیرازی)

د) خلایق را به القابی که زشت است نخواهد حرکت او نیکو سرشت است (اصدی شیرازی)

ه) آن کس که به عیب خلق پرداخته است زان است که عیب خویش نشاخته است (سئال و بجزوه)

التمرين السابع: اكتب مفرد الكلمات التالية.

مواضع	أولياء	ساحات	أساور	زيت	رياح
.....
أقوال	عقول	مخاطبين	آداب	تهم	نصوص
.....

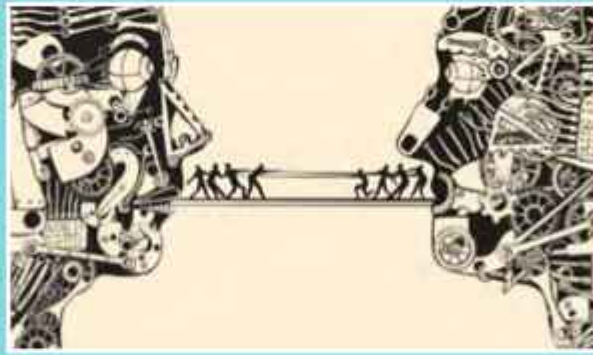
التمرين الثامن: ضع المرادفات والمضادات في الفراغ المناسب. (=) (≠)

امتلاً / شاطن / مزارع / إنم / صغر / تبجيل / ضياء / مخبوء / كلم / ترفع / سديد / مودة

..... = فلاح = ذنب ≠ فرغ = ساجل
..... = تكريم = مستور ≠ كبير ≠ سكت
..... = حُب = صحيح = نور ≠ تنزل

الْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

■ اِبْحَثْ عَنْ خَمْسِ آيَاتٍ أَوْ أَحَادِيثَ حَوْلَ قَوَاعِدِ الدَّرْسِ.



﴿... وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ ...﴾ الأأنعم: ١٢٢

﴿... إِنَّا سَمِعْنَا كِتَابًا أُنزِلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَى ...﴾ الأحقاف: ٣٠

﴿وَجَعَلْنَاهُمْ أَيْمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا ...﴾ الأنبياء: ٧٣

- ١-
- ٢-
- ٣-
- ٤-
- ٥-





الدَّرْسُ الْخَامِسُ



﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ﴾

الرَّؤْم: ٣

بی گمان خدا کسی را که دروغگو و بسیار کافر است راهنمایی
نمی کند.



الْكَذْبُ مِفْتَاحُ كُلِّ شَرٍّ

رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

جاءَ رَجُلٌ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَقَالَ: عَلَّمَنِي خُلُقًا يَجْمَعُ لِي خَيْرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ.

فَقَالَ ﷺ: لَا تَكْذِبْ.

وَ قَالَ الْإِمَامُ عَلِيُّ (ع):

خَيْرُ إِخْوَانِكَ مَنْ دَعَاكَ إِلَى صِدْقِ التَّغَالِي بِصِدْقِ مَقَالِيهِ، وَ تَدَبَّكَ إِلَى أَفْضَلِ الْأَعْمَالِ بِحُسْنِ أَعْمَالِهِ.

إِذَنْ فَكُنْ صَادِقًا مَعَ نَفْسِكَ وَ مَعَ الْآخَرِينَ فِي الْحَيَاةِ، وَ لَا تَهْرُبْ مِنَ الْوَاقِعِ أَبَدًا، فَإِنْ هَرَبْتَ مِنَ الْوَاقِعِ فَسَوْفَ تَوَاجُهُ مَشَاكِلٌ وَ صُعُوبَاتٌ كَثِيرَةٌ، وَ تُضْطَرُّ إِلَى الْكَذْبِ عِدَّةَ مَرَّاتٍ، وَ بَعْدَ ذَلِكَ يَتَبَيَّنُ كَذْبُكَ لِلْآخَرِينَ، فَتَفْشَلُ فِي حَيَاتِكَ.

وَ هَذِهِ قِصَّةٌ قَصِيرَةٌ تُبَيِّنُ لَكَ نَتِيجَةَ الْكَذْبِ:

قَرَّرَ أَرْبَعَةُ طُلَّابٍ أَنْ يَغْيَبُوا عَنِ الْإِمْتِحَانِ فَاتَّصَلُوا بِالْأُسْتَاذِ هَاتِفِيًّا وَ قَالُوا لَهُ: أَخَذَ إِطَارَاتٍ

سَيَارَتَنَا انْفَجَرَ، وَ لَيْسَ لَنَا إِطَارٌ اِخْتِيَابِي، وَ لَا تَوْجَدُ سَيَارَةٌ تَنْقُلُنَا إِلَى الْجَامِعَةِ، وَ نَحْنُ
الآنَ فِي الطَّرِيقِ بَعِيدُونَ عَنِ الْجَامِعَةِ، وَ لَنْ نَسْتَطِيعَ الحُضُورَ فِي الإِمْتِحَانِ فِي الوَقْتِ
المُحَدَّدِ.

وَأَقْبَلَ الأُسْتَاذُ أَنْ يُوجِّهَ لَهُمُ الإِمْتِحَانَ لِمُدَّةِ أسبوعٍ وَاحِدٍ، فَفَرَّخَ الطُّلَابُ بِذَلِكَ؛ لِأَنَّ حُطَّتْهُمْ
لِتَأْجِيلِ الإِمْتِحَانِ نَجَحَتْ.

فِي الأسبوعِ التَّالِيِ حَضَرُوا لِلإِمْتِحَانِ فِي الوَقْتِ المُحَدَّدِ، وَ طَلَبَ الأُسْتَاذُ مِنْهُمْ
أَنْ يَجْلِسُوا فِي قَاعَةِ الإِمْتِحَانِ، ثُمَّ وَزَعَ عَلَيْهِمُ أَوْرَاقَ الإِمْتِحَانِ.



لَمَّا نَظَرُوا إِلَى الْأَسْئَلَةِ، تَعَجَّبُوا لِأَنَّهَا كَانَتْ هُكَذَا:

- ١ لِمَاذَا انْفَجَرَ الإِطَارُ؟
- ٢ أَيُّ إِطَارٍ مِنْ سَيَّارَتِكُمْ انْفَجَرَ؟
- ٣ فِي أَيِّ طَرِيقٍ وَقَعَ هَذَا الْحَادِثُ؟
- ٤ مَا هُوَ تَرْتِيبُ جُلُوسِكُمْ فِي السَّيَّارَةِ؟
- ٥ كَيْفَ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَجْلُوا مُشْكِلَتَكُمْ؟
- ٦ كَمَ كَانَتِ السَّاعَةُ عِنْدَ انْفِجَارِ الإِطَارِ؟
- ٧ مَن كَانَ مِنْكُمْ يَسُوقُ السَّيَّارَةَ فِي ذَلِكَ الْوَقْتِ؟
- ٨ هَلْ تَضْمَنُ أَنْ يُجِيبَ أَصْدِقَاؤُكَ مِثْلَ إِجَابَتِكَ؟

حَجَّلَ الطُّلَابُ وَنَدِمُوا وَاعْتَدَرُوا مِنْ فِعْلِهِمْ، نَصَحَهُمُ الْأُسْتَاذُ وَ قَالَ:
مَنْ يَكْذِبُ لَا يَنْجَحُ. **عَاهِدَ** الطُّلَابُ أَسْتَاذَهُمْ عَلَى أَنْ لَا يَكْذِبُوا، وَ قَالَ لَهُ نَادِمِينَ:
تَعَلَّمْنَا دَرَسًا لَنْ نُنْسَاهُ أَبَدًا.



قَرَّرَ : قرار گذاشت (مضارع: يُقَرِّرُ) كُنَّ : باش لَنْ : حرف نشانه آینده منفی مُحَدَّد : مشخص شده مَقَال : گفتار = قَوْل، کلام نَدَبَ : فرا خواند (مضارع: يَنْدُبُ) وَاجَهَ : روبه‌رو شد (مضارع: يُوَجِّهُ) وَزَعَّ : پخش کرد (مضارع: يُوزَعُّ)	ساق : رانندگی کرد (مضارع: يَسوقُ) صُعُوبَة : سختی ≠ سهولت صَمِنَ : ضمانت کرد (مضارع: يَصْمِنُ) عَاهَدَ : پیمان بست (مضارع: يُعَاهِدُ) عِدَّة : چند فَشِلَّ : شکست خورد (مضارع: يَفْشِلُ)	أَجَّلَ : به تأخیر انداخت (مضارع: يُؤَجِّلُ/مصدر: تَأْجِيل) = أَخَّرَ إِضْطَرَّ : ناگزیر کرد (مضارع: يَاضْطَرُّ) تُضْطَرُّ : ناگزیر می‌شوی إِطَار : تایر، چارچوب إِطَارَ احتیاطی : چرخ بدکی تَبَيَّنَ : آشکار شد (مضارع: يَتَبَيَّنُ) حُطَّة : نقشه، برنامه «جمع: حُطَط» زاویه : گوشه «جمع: زَوَايا»
---	--	--

أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

۱- هَلْ وافَقَ الأُسْتَاذُ أَنْ يُوجَّلَ الإِمْتِحَانُ لِلطُّلَابِ لِمُدَّةِ أُسْبُوعَيْنِ؟

۲- مَاذَا قَالَ الرَّجُلُ لِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ حِينَ جَاءَ إِلَيْهِ؟

۳- مَا قَالَ الطُّلَابُ لِأُسْتَاذِهِمْ نَادِمِينَ؟

۴- مَنْ قَالَ «مَنْ يَكْذِبُ لَا يَنْجَحْ»؟

۵- كَيْفَ اتَّصَلَ الطُّلَابُ بِالأُسْتَاذِ؟

۶- لِمَاذَا فَرَّخَ الطُّلَابُ؟



تَرْجَمَةُ الْفِعْلِ الْمُضَارِعِ (۱)

■ حروف «أَنْ: که» و «غِي، لِي، لِكِي، حَتَّى: تا، برای اینکه» بر سر فعل مضارع می‌آیند و در معنای آن تغییر ایجاد می‌کنند؛ فعل‌هایی که دارای این حروف اند، در فارسی «مضارع التزامی» ترجمه می‌شوند؛ مثال:

يَحْكُمُ: داوری می‌کند	حَتَّى يَحْكُمَ: تا داوری کند
يُحَاوِلُونَ: تلاش می‌کنند	أَنْ يُحَاوِلُوا: که تلاش کنند
تَفْرَحُونَ: شاد می‌شوید	لِكِي تَفْرَحُوا: تا شاد شوید
يَجْعَلُ: قرار می‌دهد	لِيَجْعَلَ: تا قرار بدهد
يَذْهَبْنَ: می‌روند	غِي يَذْهَبْنَ: تا بروند

■ فعل مضارع دارای «لَنْ» معادل «آینده منفی» در زبان فارسی است؛ مثال:

تَنَالُونَ: دست می‌یابید لَنْ تَنَالُوا: دست نخواهید یافت

این حروف در انتهای فعل مضارع تغییراتی را ایجاد می‌کنند.^۱

۱- آشنایی با این تغییرات از اهداف آموزشی کتاب نیست؛ اما خوب است بدانید این حروف (که حروف ناصبه نام دارند)، نشانه‌ی انتهای فعل‌های «يَفْعَلُ، تَفْعَلُ، أَفْعَلُ و نَفْعَلُ» را تغییر می‌دهند. ﴿... يَفْعَلُ، ... تَفْعَلُ، ... أَفْعَلُ و ... نَفْعَلُ﴾

و حرف نون را در انتهای فعل‌های «يَفْعَلُونَ، يَفْعَلِينَ، تَفْعَلُونَ و تَفْعَلِينَ» حذف می‌کنند. این حروف در شکل ظاهر دو فعل جمع مؤنث «يَتَعَلَّنَ» و «تَتَعَلَّنَ» هیچ تغییری ایجاد نمی‌کنند.

اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمِ الْآيَتَيْنِ وَ الْحَدِيثَ حَسَبَ قَوَاعِدِ الدَّرْسِ، ثُمَّ عَيِّنِ الْأَفْعَالَ الْمُضَارِعَةَ.

١ ﴿وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ﴾ البقرة: ٢١٦

٢ ﴿... أَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعَ فِيهِ وَلَا خُلَّةٌ...﴾ البقرة: ٢٥٤

٣ مِنْ أَحْلَاقِ الْجَاهِلِ الْأَجَابَةِ قَبْلَ أَنْ تَسْمَعَ وَالْمُعَارَضَةَ قَبْلَ أَنْ يَفْهَمَ وَالْحُكْمَ بِمَا لَا يَعْلَمُ.
الإمام الصادق عليه السلام



٣- مُعَارَضَةٌ: مَخَالَفَت

٢- خُلَّةٌ: دُوسَتِي

١- رَزَقَ: رُوِزِي دَاد

■ در گروه‌های دو نفره شبیه گفت‌وگوی زیر را اجرا کنید.

جِوَارُ (فِي الصِّدَالِيَّةِ)

الصِّدَالِي	أَلْحَاجُّ
أَعْطِنِي الْوَرَقَةَ: مِحْرَارًا، حُبُوبَ مُسَكَّنَةً لِلصُّدَاعِ، حُبُوبَ مُهَدِّدَةً، كِبَسُولَ أَمْبِيَسِيلِينَ، قُطُنَ طَبِيٍّ، مَرَهْمَ لِحَسَاسِيَّةِ الْجِلْدِ ... لَا بَأْسَ، وَلَكِنْ لَا أَعْطِيكَ أَمْبِيَسِيلِينَ.	عَفْوًا، مَا عِنْدِي وَصْفَةٌ وَ أُرِيدُ هَذِهِ الْأَدْوِيَةَ الْمَكْتُوبَةَ عَلَى الْوَرَقَةِ.
لَأَنَّ بَيْعَهَا بِدُونِ وَصْفَةٍ غَيْرِ مَسْمُوحٍ. لِمَنْ تَشْتَرِي هَذِهِ الْأَدْوِيَةَ؟	لِمَاذَا لَا تُعْطِينِي؟
رَجَاءً، رَاجِعِ الطَّبِيْبَ؛ السَّفَاءُ مِنَ اللَّهِ.	أَشْتَرِيهَا لِزَمَلَاتِي فِي الْقَافِلَةِ يَا حَضْرَةَ الصِّدَالِيِّ!



- ١- الصِّدَالِيَّةُ: داروخانه ٢- الْأَدْوِيَةُ: داروها، مفرد: الدَّوَاءُ ٣- الْمِحْرَارُ: دماسج ٤- الْقُطُنُ: پنبه
٥- مَرَهْمٌ: پماد ٦- الْجِلْدُ: پوست ٧- حَضْرَةُ الصِّدَالِيِّ: جناب داروخانه‌دار ٨- رَاجِعٌ: مراجعه کن

التمرين الأول: أُمِّي فِعْلٍ مِّنْ أَفْعَالٍ مُّعْجَمِ الدَّرْسِ يُنَاسِبُ التَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةَ؟

١- شَاهَدَ وَجْهًا لِيُوجِّهَ.

٢- ظَهَرَ وَ صَارَ وَاضِحًا.

٣- لَمْ يَنْجَحْ بَلْ خَسِرَ.

٤- أَعْطَاهُ عَهْدًا وَ قَوْلًا بِأَنْ يَفْعَلَ شَيْئًا.

٥- قَرَّرَ أَنْ يَفْعَلَ مَا قَصَدَهُ مَعَ التَّأخِيرِ.

التمرين الثاني: تَرْجِمِ الْأَحَادِيثَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.

١- لَا تَغْتَرُوا بِصَلَاتِهِمْ وَلَا بِصِيَامِهِمْ ... وَلَكِنْ احْتَبِرُوهُمْ عِنْدَ صِدْقِ الْحَدِيثِ وَأَدَاءِ

(فِعْلَ الْأَمْرِ، وَ فِعْلَ النَّهْيِ)

الْأَمَانَةِ. الْإِمَامُ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

٢- لَا تَسْتَشِيرُ الْكَذَّابَ فَإِنَّهُ كَالسَّرَابِ يُقَرِّبُ عَلَيْكَ الْبَعِيدَ وَيُبْعِدُ عَلَيْكَ الْقَرِيبَ.

(اسْمُ الْمُبَالَغَةِ)

أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

٣- يَبْلُغُ الصَّادِقُ بِصِدْقِهِ مَا لَا يَبْلُغُهُ الْكَاذِبُ بِإِحْتِيَالِهِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ (الْفَاعِلِ)

(فِعْلُ النَّهْيِ)

٤- لَا تُحَدِّثِ النَّاسَ بِكُلِّ مَا سَمِعْتَ بِهِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

١- لَا تَغْتَرُوا: فَرِيب نَخْوَرِيد ٢- الصِّيَام: رُوزَه ٣- لَا تَسْتَشِيرُ: بِأ... مَشُورَت نَكُن

٤- يُقَرِّبُ: نَزْدِيك مِي سَازَد ٥- يُبْعِدُ: دُور مِي سَازَد ٦- الْإِحْتِيَالُ: فَرِيكَارِي

التمرين الثالث: عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الَّتِي لَا تُنَاسِبُ الْكَلِمَاتِ الْأُخْرَى مَعَ بَيَانِ السَّبَبِ.

- | | | | | |
|------------------------------------|---------------------------------------|--------------------------------------|--------------------------------------|--------------------------------------|
| <input type="checkbox"/> ١- مقال | <input type="checkbox"/> ٢- كَلَّمَ | <input type="checkbox"/> ٣- جُدُوع | <input type="checkbox"/> ٤- يَغْرِسُ | <input type="checkbox"/> ٥- أَحْمَر |
| <input type="checkbox"/> ١- إطار | <input type="checkbox"/> ٢- تَكَلَّمَ | <input type="checkbox"/> ٣- أَغْصَان | <input type="checkbox"/> ٤- يَخْنُقُ | <input type="checkbox"/> ٥- أَكْرَم |
| <input type="checkbox"/> ١- قَوْل | <input type="checkbox"/> ٢- كَمَلَّ | <input type="checkbox"/> ٣- أَثْمَار | <input type="checkbox"/> ٤- يَزْرَعُ | <input type="checkbox"/> ٥- أَحْضَرَ |
| <input type="checkbox"/> ١- كَلَام | <input type="checkbox"/> ٢- خَدَّتْ | <input type="checkbox"/> ٣- تَأْجِيل | <input type="checkbox"/> ٤- يَنْبُثُ | <input type="checkbox"/> ٥- أَسْوَدَ |

التمرين الرابع: تَرْجِمِ الْآيَاتِ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.

(فِعْلُ الْأَمْرِ)

١- ﴿...فَاصْبِرُوا حَتَّى يَحْكَمَ اللَّهُ بَيْنَنَا...﴾ [الأعراف: ٨٧]

(الْمُضَافُ إِلَيْهِ)

٢- ﴿... يُرِيدُونَ أَنْ يُبَدِّلُوا كَلَامَ اللَّهِ ...﴾ [الفتح: ١٥]

٣- ﴿هُوَ الَّذِي يُصَلِّيْ عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ﴾ [الأحزاب: ٤٣]

(الْحَازِئُ وَالْمَجْرُوزُ)

(الْفِعْلُ الْمَاضِي)

٤- ﴿... لِكَيْلَا تَحْزَنُوا عَلَى مَا فَاتَكُمْ ...﴾ [آل عمران: ١٥٣]

(الْفِعْلُ الْمُضَارِعُ)

٥- ﴿لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ...﴾ [آل عمران: ٩٢]

١- يُصَلِّي: درود می فرستد ٢- لِكَيْلَا: لكي+لا ٣- فَاتَ: از دست رفت ٤- لَنْ تَنَالُوا: دست نخواهید یافت

التمرين الخامس: تَرَجِّمِ الْجُمْلَةَ التَّالِيَةَ.

- ١- اجْلِسْ عَلَى الْكُرْسِيِّ:
- ٢- تَجَلَّسْ مَعَ زَمِيلِكَ:
- ٣- اضْبِرْ لِي يَجْلِسْ:
- ٤- جَالِسٌ خَيْرَ النَّاسِ:
- ٥- لَا تَجْلِسُوا هُنَاكَ:
- ٦- لَنْ يَجْلِسَ هُنَا:
- ٧- أُرِيدُ أَنْ اجْلِسَ:
- ٨- رَجَعْنَا لِنَجْلِسَ:

التمرين السادس: اُكْتُبْ مُفْرَدَ الْجُمُوعِ التَّالِيَةِ.

صُعُوبَات	أَحْيَاء	أَفْاضِل	حُطُط	أَدْوِيَّة
.....
أَعْمَال	إِخْوَان	عُيُوب	أَسَاتِدَة	أَصْدِقَاء
.....
أَخْلَاق	طُلَّاب	إِجَابَات	أَسَابِيح	أَسْئَلَة
.....

الْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

■ اِنْحَثْ عَنْ قِصَّةٍ قَصِيرَةٍ أَوْ أَحَادِيثَ حَوْلَ فُجْحِ الْكِذْبِ وَ عَاقِبَتِهِ السَّيِّئَةِ.





الدرس السّادس

تَعَلَّمْ كُلَّ لُغَةٍ فَتُحَتَّ إِلَى عَالَمٍ جَدِيدٍ.
یادگیری هر زبانی، دریچه‌ای به سوی جهانی نوین است.



تُعَدُّ الدُّكْتُورَةُ «آته ماري شيميل» مِنْ أَشْهَرِ الْمُسْتَشْرِقِينَ. وُلِدَتْ فِي «أَلْمَانِيَا» وَ كَانَتْ مِنْذُ طُفُولَتِهَا مُشْتَاقَةً إِلَى كُلِّ مَا يَرْتَبِطُ بِالشَّرْقِ وَ مُعْجَبَةً بِإِيرَانَ. كَانَ عُمُرُهَا خَمْسَةَ عَشَرَ عَامًا حِينَ بَدَأَتْ بِدِرَاسَةِ اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ. حَصَلَتْ عَلَى

شَهَادَةِ الدُّكْتُورَاهِ فِي الفَلَسَفَةِ وَ الدِّرَاسَاتِ الإِسْلَامِيَّةِ وَ هِيَ فِي التَّاسِعَةِ عَشْرَةَ مِنْ عُمُرِهَا؛ تَعَلَّمَتِ اللُّغَةَ التُّرْكِيَّةَ وَ دَرَسَتْ فِي جَامِعَةِ أَنْقَرَةَ.

كَانَتْ شِيمِيلُ تَدْعُو الْعَالَمَ الْعَرَبِيَّ الْمَسِيحِيَّ لِفَهْمِ حَقَائِقِ الدِّينِ الإِسْلَامِيِّ وَ الإِطْلَاعِ عَلَيْهِ. وَ هَذَا الْعَمَلُ رَفَعَ سَائِنَهَا فِي جَامِعَاتِ الدُّوَلِ الإِسْلَامِيَّةِ، فَحَصَلَتْ عَلَى دُكْتُورَاهِ فَخْرِيَّةٍ مِنْ جَامِعَاتِ السُّنْدِ وَ إِسْلَامِ آبَادِ وَ بِيشَاوَرِ وَ قُونِيَّةِ وَ طَهْرَانَ.

إِنَّمَا تَعَلَّمَتْ لُغَاتٍ كَثِيرَةً مِنْهَا الفَارْسِيَّةُ وَ الْعَرَبِيَّةُ وَ التُّرْكِيَّةُ وَ الإِنْجِلِيزِيَّةُ وَ الفَرَنْسِيَّةُ وَ الأُرْدِيَّةُ؛ وَ كَانَتْ تُلقِي مُحَاضَرَاتٍ بِاللُّغَةِ الفَارْسِيَّةِ. فَهِيَ كَانَتْ مِثَالًا لِهَذِهِ العِبَارَةِ:

«الإنسان بكلِّ لسان إنسان»

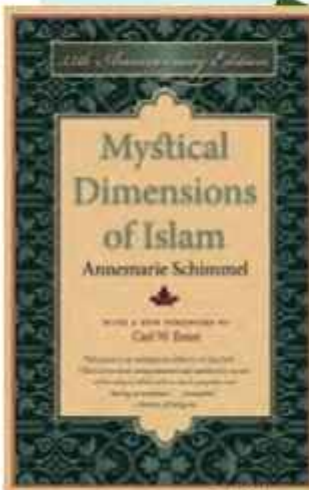
أَلْقَتْ شِيمِيلُ أَكْثَرَ مِنْ مِئَةِ كِتَابٍ وَ مَقَالَةٍ مِنْهَا كِتَابٌ حَوْلَ شَخْصِيَّةِ جَلَالِ الدِّينِ البَلْخِيِّ.

هِيَ كَانَتْ تُحِبُّ الْعَيْشَ فِي الشَّرْقِ، لِذَلِكَ دَرَسَتْ مُدَّةً طَوِيلَةً فِي الْهِنْدِ وَ بَاكِسْتَانِ، وَ دَرَسَتْ كَذَلِكَ مَا يُقَارِبُ خَمْسَةَ وَعِشْرِينَ عَامًا فِي جَامِعَةِ هَارْفَارْدِ.

قَبْلَ وَفَاتِهَا أَوْصَتْ شَيْمِلَ زُمَلَاءَهَا أَنْ يُسْكَلُوا فَرِيقًا لِلْجَوَارِ الدِّينِيِّ وَ الثَّقَافِيِّ يَكُونُ هَدَفُهُ الْأَعْلَى «مَدَّ جُسُورِ الصَّدَاقَةِ وَ الثَّفَاهِمِ بَيْنَ أُوْرُوْبَا وَ الْعَالَمِ الْإِسْلَامِيِّ» وَ «الْإِتْحَادَ بَيْنَ الْحَضَارَاتِ».

أَشَارَتْ شَيْمِلَ فِي إِحْدَى مُقَابَلَاتِهَا إِلَى الْأَدْعِيَةِ الْإِسْلَامِيَّةِ وَ قَالَتْ:
«أَنَا أَقْرَأُ الْأَدْعِيَةَ وَ الْأَحَادِيثَ الْإِسْلَامِيَّةَ بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ وَ لَا أَرَا جُعَ تَرْجَمَتِهَا».

هِيَ أَوْصَتْ أَنْ يُكْتَبَ هَذَا الْحَدِيثُ عَلَيَّ قَبْرِهَا:



«الْعَالَمِ نِيَامٌ فَإِذَا مَاتُوا انْتَبَهُوا».
رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

فَرَنْسِيَّة : فرانسوی	حَصَلَ عَلَيَّ : به دست آورد	أُرْدِيَّة : زبان اردو
قَارِبٌ : نزدیک شد	(مضارع: يَحْضُلُ)	أَشَارَ : اشاره کرد (مضارع: يُشِيرُ)
«مَا يُقَارِبُ: نزدیک به»	حَضَارَةٌ : تمدن	أَلْفَنِي : انداخت (مضارع: يُلْفِي)
مُحَاضِرَةٌ : سخنرانی	دُكْتَوْرَاه : دکترا	كَانَتْ تُلْفِي مُحَاضِرَةً: سخنرانی می کرد
مَدَّ : کشید، گسترش داد	شَكَّلَ : تشکیل داد (مضارع: يُشَكِّلُ)	إِنْجِلِيزِيَّة : انگلیسی
مُسْتَشْرِقٌ : خاورشناس	شَهَادَةٌ : مدرک	أَنْقَرَةٌ : آنکارا
مُعْجَبَةٌ بِ: شیفته (أَعْجَبَ، يُعْجِبُ)	عَدَّ : به شمار آورد، شمرد	أَوْصَى : سفارش کرد (مضارع: يَوْصِي)
مُقَابَلَةٌ : مصاحبه	(مضارع: يَعُدُّ)	ثَقَافِي : فرهنگی
مُنْدٌ : از هنگام	فَخْرِيَّة : افتخاری	«ثَقَافَةٌ: فرهنگ»

أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

۱- بِأَيِّ لَعْنَةٍ كَانَتْ شَيْمِلُ تَقْرَأُ الْأَدْعِيَةَ الْإِسْلَامِيَّةَ؟

.....

۲- أَيُّ حَدِيثٍ كَتَبَ عَلِيُّ قَبْرِ شَيْمِلِ؟

.....

۳- كَمْ كِتَابًا وَ مَقَالَةً أَلْفَتْ شَيْمِلُ؟

.....

۴- بِمَاذَا أَوْصَتْ شَيْمِلُ زُمَّلَاءَهَا؟

.....

۵- أَيْنَ وُلِدَتْ شَيْمِلُ؟

.....

اعلموا

تَرْجَمَةُ الْفِعْلِ الْمُضَارِعِ (۲)

- حروف «لَمْ، لَ، لا» بر سر فعل‌های مضارع می‌آیند و معنای آن را تغییر می‌دهند.
- حرف «لَمْ» فعل مضارع را به «ماضی ساده منفی» یا «ماضی نقلی منفی» تبدیل می‌کند؛ مثال:

يَسْمَعُ: می‌شنود	لَمْ يَسْمَعْ: نشنید، نشنیده است
تَذْهَبُونَ: می‌روید	لَمْ تَذْهَبُوا: نرفتید، نرفته‌اید
تَكْتُبْنَ: می‌نویسید	لَمْ تَكْتُبْنَ: ننوشتید، ننوخته‌اید

- حرف «لِ امر» بر سر فعل مضارع به معنای «باید» است و چنین فعلی معادل «مضارع التزامی» در فارسی می‌باشد؛ مثال:

نَرْجِعُ: برمی‌گردیم	لِنَرْجِعُ: باید برگردیم
يَعْلَمُونَ: می‌دانند	لِيَعْلَمُوا: باید بدانند

- در کتاب عربی پایه نهم با حرف «لای نهی» بر سر فعل مضارع مخاطب (دوم شخص) آشنا شدید؛ مثال:

تَيَاسٌ: ناامید می‌شوی	لَا تَيَاسٌ: ناامید نشو
تُرْسِلُونَ: می‌فرستید	لَا تُرْسِلُوا: نفرستید

- همین حرف «لای نهی» اگر بر سر سایر ساخت‌های فعل مضارع بیاید، به معنای «نباید» و معادل «مضارع التزامی» منفی در فارسی است؛ مثال:

يُسَافِرُونَ: سفر می‌کنند	لَا يُسَافِرُوا: نباید سفر کنند
---------------------------	---------------------------------

- حروف «لَمْ، لَ، لا» در انتهای فعل مضارع تغییراتی ایجاد می‌کنند.^۱

۱- آشنایی با این تغییرات از اهداف آموزشی کتاب نیست؛ اما خوب است بدانید این حروف (که حروف جازمه نام دارند)، نشانه انتهای فعل‌های «يَتَعَلَّ، تَفَعَّلَ، أَفْعَلَ و تَفَعَّلَ» را تغییر می‌دهند. ﴿... يَتَعَلَّ... تَفَعَّلَ... أَفْعَلَ و ... تَفَعَّلَ... تَفَعَّلَ... تَفَعَّلَ﴾ و حروف نون را در انتهای فعل‌های «يَفْعَلُونَ، يَفْعَلَانِ، تَفْعَلُونَ، تَفْعَلَانِ و تَفْعَلِينَ» حذف می‌کنند. این حروف در شکل ظاهر دو فعل جمع مؤنث «يَفْعَلْنَ» و «تَفْعَلْنَ» هیچ تغییری ایجاد نمی‌کنند.

۱ ﴿لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا﴾ آئوٲٲه : ٤٠

٢ ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ﴾ الزُّعْد : ١١

٣ ... لَا تَظْلِمُ كَمَا لَا تُجِبُّ أَنْ تُظْلَمَ وَ أَحْسِنُ كَمَا تُجِبُّ أَنْ يُحْسَنَ إِلَيْكَ. الإمام عليؑ

چند نكته:

■ **نكته (١)** : فعل نهی همان فعل مضارع است.

■ **نكته (٢)** : ترجمه فعلی مانند «لِيَتَعَلَّمُوا» فقط در جمله و در متن امکان پذیر است:

مثال:

تَكَلَّمْتُ مَعَ أَوْدِقَائِي لِيَتَعَلَّمُوا كَيْفَ يُمَكِّنُ لَهُمْ أَنْ يَنْجَحُوا فِي بَرَامِجِهِمْ.

با دوستانم سخن گفتم تا بدانند چگونه برایشان امکان دارد که در برنامه هایشان موفق شوند.

قَالَ الْمُدِيرُ: إِنَّ الْإِمْتِحَانَاتِ تُسَاعِدُ الطُّلَابَ لِتَتَعَلَّمَ دُرُوسِهِمْ فَلِيَتَعَلَّمُوا ذَلِكَ وَ عَلَيْهِمْ أَنْ

لَا يَخَافُوا مِنْهَا.

مدیر گفت: آزمون ها دانش آموزان را برای یادگیری درس هایشان کمک می کند و باید این را

بدانند و بر آنان لازم است که از آن نترسند.

■ **نكته (٣)** : حرف «لِ» بر سر ضمیرها به «لَ» تبدیل می شود: مثال:

لَهُ، لَهَا، لَهُمْ، لِهِنَّ، لَهُمَا، لَكَ، لِكِ، لَكُمْ، لَكُنَّ، لَكُنَّ، لَنَا.

در «لي» این گونه نیست.

■ **نکته (۴):** تاکنون با دو نوع حرف «لِ» آشنا شده‌اید، یکی بر سر اسم (ضمیر نیز اسم محسوب می‌شود) و دیگری بر سر فعل مضارع می‌آید؛ تشخیص معنای هر یک فقط داخل متن امکان دارد:

- ۱- «لِ» به معنای «مال، از آن» مانند «لِمَنْ تَلِكُ الشَّرِيحَةُ؟»؛ یعنی «آن سیم‌کارت مال کیست؟»
 «لِ» به معنای «برای» مانند «اِشْتَرَيْتُ حَقِيبَةً لِلسَّفَرِ»؛ یعنی «چمدانی برای سفر خریدم».
 «لِ» به معنای «داشتن» مانند «لِي شَهَادَةٌ فِي الْحَاسِبِ»؛ یعنی «مدرک رایانه دارم».
 ۲- «لِ» به معنای «باید» مانند «لِيَتَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ»؛ یعنی «باید به خدا توکل کنیم».
 «لِ» به معنای «تا» مانند «دَهَبْتُ إِلَى الْمَتَجَرِّ لِأَشْتَرِيَ بَطَارِيَّةً لِجَوَالِي»؛ یعنی «به مغازه رفتم تا باتری برای تلفن همراهم بخرم».

حرف «لِ» پس از حرف‌هایی مانند «و، ف» معمولاً ساکن می‌شود؛ مثال:
 ف + لِ + يَعْمَلُ = فَلَيعْمَلُ: پس باید انجام دهد.

اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرَجِمِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةَ حَسَبِ الْقَوَاعِدِ.

۱ ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ الْفَاتِحَةُ: ۲

۲ بُعِثَ النَّبِيُّ ﷺ لِيَهْدِيَ النَّاسَ.

۳ لِنَسْتَمِعَ إِلَى الْكَلَامِ الْحَقِّ.

۴ لِمَنْ هَذِهِ الْجَوَازَاتُ؟

التمرين الأول: ضَع فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً مِنْ كَلِمَاتِ مُعْجَمِ الدَّرْسِ.

- ١- كَانَتْ شَيْمِلُ مُنْذُ طُفُولَتِهَا مُشَاقَّةً إِلَى كُلِّ مَا يَتَعَلَّقُ بِالشَّرْقِ وَ بِإِيرَانَ.
- ٢- الَذِّكُورَاهُ هِيَ شَهَادَةٌ تُعْطَى لِشَخْصٍ تُقَدِّرُ إِجْهَادَهُ فِي مَجَالٍ مُعَيَّنٍ.
- ٣- إِنَّ ثَانِي أَكْبَرَ مَدِينَةٍ فِي تُرْكِيَا بَعْدَ إِسْطَنْبُولِ.
- ٤- الشَّعْبُ الْبَاكِسْتَانِي يَتَكَلَّمُ بِاللُّغَةِ
- ٥- اللُّغَةُ الرُّسْمِيَّةُ فِي بَرِيطَانِيَا

التمرين الثاني: عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الَّتِي لَا تُنَاسِبُ الْكَلِمَاتِ الْآخَرَى.

- ١- الْأَسْبُوعُ الشُّهُرُ الثَّقَافَةُ السَّنَةُ
- ٢- الْأَزْدِيَّةُ الْإِنْجِلِيزِيَّةُ الْفَرَنْسِيَّةُ الْفَخْرِيَّةُ
- ٣- الرِّمِيلُ الْقَمِيصُ الصَّدِيقُ الْحَبِيبُ
- ٤- الْقَرْيَةُ الْمَدِينَةُ الْبِلَادُ النِّيَامُ
- ٥- الشَّهَادَةُ الطُّفُولَةُ الصُّغَرُ الْكِبَرُ
- ٦- الْقِطُّ الرِّمَانُ الثَّقَاقُ الْعَنْبُ

الْتَمْرِينُ الثَّالِثُ: إِفْرَأِ الْآيَاتِ الثَّالِثَةَ، ثُمَّ انْتِخِبِ التَّرْجَمَةَ الصَّحِيحَةَ.

۱- ﴿... عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ﴾ آل عمران: ۱۲۲

- (الف) مؤمنان تنها باید بر خدا توکل کنند.
- (ب) مؤمنان فقط به خدا توکل می‌کنند.

۲- ﴿قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسَلْنَا...﴾ الْحَجْرَات: ۱۴
بادیه‌نشینان گفتند: ...

- (الف) ... «ایمان می‌آوریم». بگو: «ایمان نمی‌آورید؛ بلکه بگویید: در سلامت می‌مانیم».
- (ب) ... «ایمان آوردیم». بگو: «ایمان نیاورده‌اید؛ بلکه بگویید: اسلام آوردیم».

۳- ﴿أَوْ لَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ...﴾ الرَّأْس: ۵۲

- (الف) آیا ندانسته‌اند که خدا روزی را برای هرکس بخواهد، می‌گستراند؟
- (ب) آیا نمی‌دانند که خدا روزی را برای هرکس بخواهد، فراوان می‌کند؟

۴- ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ * اللَّهُ الصَّمَدُ * لَمْ يَلِدْ * وَ لَمْ يُولَدْ * وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ﴾
سوره الإخلاص

بگو: او خداوند یکتاست، خدا بی‌نیاز است ...

- (الف) ... نمی‌زاید و زاده نمی‌شود و کسی همانندش نیست.
- (ب) ... نزاده و زاده نشده و کسی برایش هم‌تا نبوده است.

۵- ﴿... فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ ۗ الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ﴾

سوره قُرَيْش

پس پروردگار این خانه را...

- الف) ... می‌پرستند؛ زیرا در گرسنگی خوراکشان داد و از ترس [دشمن] در امان نهاد.
- ب) ... باید بپرستند، همان که در گرسنگی خوراکشان داد و از بیم [دشمن] ایمنشان کرد.



۳- آمَنَ: ایمن کرد، ایمان آورد

۲- الْجُوع: گرسنگی

۱- أَطْعَمَ: خوراک داد

التمرين الرابع: صَع فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً.

- ١- تُسَمَّى مَظَاهِرُ التَّقَدُّمِ فِي مَيَادِينِ الْعِلْمِ وَ الصَّنَاعَةِ وَ الْأَدَبِ مَهْرَجَانًا حَضَارَةً
- ٢- أَسَاتِذُ الْجَامِعَةِ فِي حَدِيثِهِ إِلَى قِضَائِلِ أَنَّهُ مَارِي شَيْمِل. أَشَارَ أَثَارَ
- ٣- هِيَ الْقِيَمُ الْمُشْتَرَكَةُ بَيْنَ جَمَاعَةٍ مِنَ النَّاسِ. الشَّهَادَةَ الْتِقَافَهُ
- ٤- أَلْقَى أَسَاتِذُ الْجَامِعَةِ حَوْلَ شَيْمِل. مُحَاضِرَةً مُسَجَّلًا
- ٥- هُوَ الشَّخْصُ الَّذِي يَعْمَلُ مَعَكَ. الرِّمِيلَ الْمِصْيَافَ

التمرين الخامس: اِنتَخِبِ الْجَوَابَ الصَّحِيحَ.

- ١- عَلَيْكَ بِالمُحَاوَلَةِ، وَ فِي حَيَاتِكَ. أَنْ تَيَاسَ كَي تَيَاسَ لَا تَيَاسَ
- ٢- أَنَا فِي السَّنَتَيْنِ الْمَاضِيَتَيْنِ. لَنْ أُسَافِرَ لَمْ أُسَافِرَ لِكَي أُسَافِرَ
- ٣- أُرِيدُ إِلَى سَوْقِ الْحَقَائِبِ. أَنْ أُذْهَبَ لَمْ أُذْهَبَ إِنْ أُذْهَبَ
- ٤- هُوَ إِلَى الْمَلْعَبِ عَدَاً. لَنْ يَرْجِعَ مَارَجَعَ لَمْ يَرْجِعَ
- ٥- مَنْ يَنْجَحُ فِي أَعْمَالِهِ. لَا يَجْتَهِدُ لَا يَجْتَهِدُ يَجْتَهِدُ

التَّمْرِينُ السَّادِسُ: عَيْنِ النَّبِيِّ الْفَارِسِيِّ الَّذِي يَرْتَبِطُ بِالْحَدِيثِ فِي الْمَعْنَى.

۱- الْمُؤْمِنُ قَلِيلُ الْكَلَامِ كَثِيرُ الْعَمَلِ. الإمام الكاظم عليه السلام

۲- الْعَالِمُ بِمَا عَلِمَ كَالشَّجَرِ بِمَا تَسْمُرُ. رسول الله صلى الله عليه وآله

۳- أَمَرَنِي رَبِّي بِمُدَارَاةِ النَّاسِ كَمَا أَمَرَنِي بِإِدَاءِ الْقَرَائِضِ. رسول الله صلى الله عليه وآله

۴- عَدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ. الإمام علي عليه السلام

۵- الدَّهْرُ يَوْمَانِ؛ يَوْمٌ لَكَ وَيَوْمٌ عَلَيْكَ. الإمام علي عليه السلام

۶- خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا. رسول الله صلى الله عليه وآله

- | | |
|---|---|
| الف) کم کوی و کزیده کوی چون د | تا زانک تو جهان شو پُر (نکلمی کجایی) |
| ب) علم کن اعمال نشائش نیست | کلبدی دارد و جائش نیست (میر خسرو خلوی) |
| ج) اندازه نگه دار که اندازه نکوست | هم لایق دشمن است و هم لایق دوست (سدی) |
| د) روزگار است آن که که عزت دهد که خوار دارد | چرخ بازیگر ازین بازیچه بسیار دارد (قاسم فرغانی) |
| ه) آسایش دو کیتی تفسیرین دو حرف است | با دوستان مروت با دشمنان مدارا (مناقد) |
| و) دشمن دانما که غم جان بود | بمتر از آن دوست که نادان بود (نکلمی کجایی) |

التَّمْرِينُ السَّابِعُ: ضَعْ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً مِنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ. «كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ»

(أَنْقَرَة / الْإِنْجِلِيزِيَّة / الْحَضَارَة / فَخْرِيَّة / مُنْذُ / الْمُسْتَشْرِقُ / مُحَاضَرَة / شَهَادَاتِ)

١- مَا رَأَيْتُ جِيرَانِي يَوْمَ الْخَمِيسِ.

٢- نَتَعَلَّمُ اللُّغَةَ مِنَ الصَّفِّ السَّابِعِ.

٣- أَلْقَى الْأُسْتَاذُ ثِقَافِيَّةَ أَمَامِ الطُّلَابِ.

٤- كَانَتْ السُّومَرِيَّةُ فِي جَنُوبِ الْعِرَاقِ.

٥- أَلذِّكْتُورَاهُ مِنْ أَعْلَى التَّخْصُّصِ فِي الْجَامِعَاتِ.

٦- إِنَّ عَالِمٌ مِنَ الدُّوَلِ الْعَرَبِيَّةِ عَارِفٌ بِالثَّقَافَةِ الشَّرْقِيَّةِ.



■ اَكْتُبْ عَنّ أَحَدِ هؤَلاءِ المُسْتَشْرِقِينَ الذِينَ حَدَمُوا اللُّغَةَ الفَارِسِيَّةَ أَوِ العَرَبِيَّةَ.



هانري كوربين (هنري كوربين)

Henry Corbin



رينولد نيكلسون

Reynold Alleyne Nicholson



يوهان گوته

Johann

Wolfgang von Goethe



ولاديمير مينورسكي

Vladimir Minorski



توشي هيكو ايزوتسو

Toshihiko Izutsu



إدوارد براون

Edward Granville Browne

«يوهان گوته» هو أخذ أشهر أدباء ألمانيا، و الذي ترك إرثاً أدبياً و ثقافياً عظيماً للمكتبة العالمية.

«رينولد نيكلسون» هو مُسْتَشْرِقٌ إنجليزي. خبيرٌ في التصوف و الأدب الفارسي، و يُعْتَبَرُ من أفضل المُترجمين

لأشعار جلال الدين الرومي.

«هنري كوربين» فيلسوف و مُسْتَشْرِقٌ فرنسي اهتم بدراسة الإسلام. اُشْتُعِرَ في فرنسا قسماً لتاريخ إيران.

«إدوارد براون» مُسْتَشْرِقٌ إنجليزي نال شهرة واسعة في الدراسات الشرقية و كان يُعرف الفارسية و العربية جيداً.

«توشي هيكو ايزوتسو» أول من ترجم القرآن إلى اللغة اليابانية. و كان يُعرف ثلاثين لغة منها الفارسية و العربية.

«فلاديمير مينورسكي» مُسْتَشْرِقٌ روسي. أستاذ في دراسة الفارسية و الكردية.



الدَّرْسُ السَّابِعُ



﴿الرَّحْمَنُ * عَلَّمَ الْقُرْآنَ *
خَلَقَ الْإِنْسَانَ * عَلَّمَهُ الْبَيَانَ﴾ الرَّحْمَنُ: ٤٥١
خدای بخشاینده، قرآن را آموزش داد، انسان را آفرید، سخن
گفتن را به او آموخت.

تأثير اللّغة الفارسيّة على اللّغة العربيّة



المُفْرَدَاتُ الفَارِسيَّةُ دَخَلَتِ اللُّغَةَ العَرَبِيَّةَ مُنْذُ العَصْرِ الجَاهِلِيّ، فَقَدْ نُقِلَتْ إِلَى العَرَبِيَّةِ أَلْفَاظٌ فَارِسيَّةٌ كَثِيرَةٌ بِسَبَبِ التَّجَاوُزِ وَ دُخُولِ الإِيرَانِيَّيْنِ فِي العِرَاقِ وَ اليَمَنِ، وَ كَانَتْ تِلْكَ المُفْرَدَاتُ تَرْتَبِطُ بِبَعْضِ البُضَائِعِ الَّتِي مَا كَانَتْ عِنْدَ العَرَبِ كَالْمِسْكِ وَ الدِّيَابِجِ. وَ اشْتَدَّ النُّقْلُ مِنَ الفَارِسيَّةِ إِلَى العَرَبِيَّةِ بَعْدَ انْضِمَامِ إِيرَانِ إِلَى الدَّوْلَةِ الإِسْلَامِيَّةِ.

وَ فِي العَصْرِ العَبَّاسِيِّ **ازداد** نُفُودُ اللُّغَةِ الفَارِسيَّةِ حِينَ **شارك** الإِيرَانِيُّونَ فِي قِيَامِ الدَّوْلَةِ العَبَّاسِيَّةِ عَلَى يَدِ امثالِ أَبِي مُسْلِمِ الخُرَّاسَانِيِّ وَ آلِ بَرْمَكٍ. وَ كَانَ لِابْنِ المَقْفَعِ دَوْرٌ عَظِيمٌ فِي هَذَا التَّأثيرِ، فَقَدْ نَقَلَ عَدَدًا مِنَ الكُتُبِ الفَارِسيَّةِ إِلَى العَرَبِيَّةِ، مِثْلَ كَلِيلَةِ وَ دِمْنَةِ.

وَ لِلفيروزآباديِّ مُعْجَمٌ مَشْهُورٌ بِاسْمِ القَامُوسِ **يضم** مُفْرَدَاتٍ كَثِيرَةً بِاللُّغَةِ العَرَبِيَّةِ. وَ قَدْ **بيّن** عُلَمَاءُ اللُّغَةِ العَرَبِيَّةِ وَ الفَارِسيَّةِ أبعادَ هَذَا التَّأثيرِ فِي دِرَاسَاتِهِمْ، فَقَدْ أَلَّفَ الدُّكْتُورُ التَّونِجِي كِتَابًا **يضم** الكَلِمَاتِ الفَارِسيَّةِ **المُعَرَّبَةَ** سَمَّاهُ «مُعْجَمُ المُعَرَّبَاتِ الفَارِسيَّةِ فِي اللُّغَةِ العَرَبِيَّةِ».

أما الكلمات الفارسية التي دخلت اللغة العربية فقد تغيرت أصواتها وأوزانها، و
نطقها العرب وفقاً لأصواتهم، فقد بدلوا الحروف الفارسية «ك، چ، پ، ژ» التي لا توجد في
لغتهم إلى حروف قريبة من مخارجها؛ مثل:

پردیس ← فردوس، مهرگان ← مهرجان، چادرشَب ← شَرشَف و ...

و اشتقوا منها كلمات أخرى، مثل «يكنزون» في آية ﴿...يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ...﴾
من كلمة «كنج» الفارسية.

علينا أن نعلم أن تبادل المفردات بين اللغات في العالم أمر طبيعي يجعلها غنية
في الأسلوب و البيان، و لا نستطيع أن نجد لغة بدون كلمات دخيلة؛ كان تأثير اللغة
الفارسية على اللغة العربية قبل الإسلام أكثر من تأثيرها بعد الإسلام، و أما بعد ظهور الإسلام
فقد ازدادت المفردات العربية في اللغة الفارسية بسبب العامل الديني.

الفارسية



مُفْرَدَات : واژگان مِسْك : مُسْك نَطَقَ : بر زبان آورد (مضارع: يَنْطِقُ) نَقَلَ : منتقل کرد (مضارع: يَنْقُلُ) وَفَقَأَ : بر اساس يَضْمُ : در برمی گیرد (ماضی: ضَمَّ)	تَغَيَّرَ : دگرگون شد (مضارع: يَتَغَيَّرُ) دَخِيل : وارد شده دِيبَاج : ابریشم شَارَكَ : شرکت کرد (مضارع: يُشَارِكُ) مُعْرَبٌ : عربی شده	إِزْدَادٌ : افزایش یافت (مضارع: يَزْدَادُ) إِسْتَدَّ : شدت گرفت (مضارع: يَسْتَدُّ) إِسْتَقَى : برگرفت (مضارع: يَسْتَقِي) إِنْضَمَّ : پیوستن (انضمَّ، يَنْضَمُ) بَيَّنَّ : آشکار کرد (مضارع: يُبَيِّنُ)
--	---	--

أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ مُسْتَعِينًا بِالنُّصِّ.

۱- لِمَاذَا إِزْدَادَتِ الْمُفْرَدَاتُ الْعَرَبِيَّةُ فِي اللُّغَةِ الْفَارِسِيَّةِ بَعْدَ ظَهْوَرِ الْإِسْلَامِ؟

.....

۲- مَنْ هُوَ مُؤَلِّفُ «مُعْجَمِ الْمُعْرَبَاتِ الْفَارِسِيَّةِ فِي اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ»؟

.....

۳- مَتَى دَخَلَتِ الْمُفْرَدَاتُ الْفَارِسِيَّةُ فِي اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ؟

.....

۴- أَيُّ شَيْءٍ يَجْعَلُ اللُّغَةَ غَنِيَّةً فِي الْأُسْلُوبِ وَ الْبَيَانِ؟

.....

۵- مَتَى إِزْدَادَ نُفُودُ اللُّغَةِ الْفَارِسِيَّةِ فِي اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ؟

.....

۶- مَا هُوَ الْأَصْلُ الْفَارِسِيُّ لِكَلِمَةِ «كَتَبَ»؟

.....



مَعَانِي الْأَفْعَالِ النَّاقِصَةِ

- فعل‌های پرکاربرد «كَانَ، صَارَ، لَيْسَ و أَصْبَحَ» افعال ناقصه نام دارند.
- **كان** چند معنا دارد:

- ۱- به معنای «بود»؛ مثال: كَانَ الْبَابُ مُغْلَقًا. در بسته بود.
 - ۲- به معنای «است»؛ مثال: ﴿إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا﴾ الأَحْزَاب: ۲۴
بی‌گمان خدا آمرزنده و مهربان است.
 - ۳- كَانَ به عنوان «فعل کمکی سازنده معادل ماضی استمراری»؛ مثال: كانوا يَسْمَعُونَ: می‌شنیدند.
 - ۴- كَانَ به عنوان «فعل کمکی سازنده معادل ماضی بعید»؛ مثال: «كَانَ الطَّالِبُ سَمِعَ» و «كَانَ الطَّالِبُ قَدْ سَمِعَ» به این معناست: «دانش‌آموز شنیده بود».
 - ۵- «كَانَ» بر سر «لِ» و «عِنْدَ» معادل فارسی «داشت» است؛ مثال:
كَانَ لِي خَاتَمٌ فِضَّةً. انگشتر نقره داشتم.
كَانَ عِنْدِي سَرِيرٌ خَشَبِيٌّ. تختی چوبی داشتم.
- مضارع كَانَ «يَكُونُ» به معنای «می‌باشد» و امر آن «كُنْ» به معنای «باش» است.

- **صارَ و أَصْبَحَ** به معنای «شد» هستند. مضارع صَارَ «يَصِيرُ» و مضارع أَصْبَحَ «يُصْبِحُ» است؛ مثال:

﴿... أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَتُصْبِحُ الْأَرْضُ مُخْضَرَةً﴾ الْحَجَّ: ۶۳

از آسمان آبی را فرو فرستاد و زمین سرسبز می‌شود.

نظَّفَ الطَّلَابُ مَدْرَسَتَهُمْ، فَصَارَتِ الْمَدْرَسَةُ نَظِيفَةً.

دانش‌آموزان مدرسه‌شان را تمیز کردند و مدرسه تمیز شد.

۱- الْمُخْضَرَةُ: سرسبز ۲- نَظَّفَ: تمیز کرد

■ **لَيْسَ** یعنی «نیست»؛ مثال:

﴿...يَقُولُونَ بِأَفْوَاهِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يَكْتُمُونَ﴾ آل عمران: ۱۶۷
با دهان‌هایشان چیزی را می‌گویند که در دل‌هایشان نیست و خدا به آنچه پنهان می‌کنند دانایتر است.

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمْ هَذِهِ الْآيَاتِ.

۱ ﴿وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ﴾ مريم: ۵۵

۲ ﴿وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا﴾ الإسراء: ۳۴

۳ ﴿... يَقُولُونَ بِأَلْسِنَتِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ﴾ الفتح: ۱۱

۴ ﴿... أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِالشَّاكِرِينَ﴾ الأنعام: ۵۳

۵ ﴿لَقَدْ كَانَ فِي يُوسُفَ وَإِخْوَتِهِ آيَاتٌ لِّلسَّائِلِينَ﴾ يوسف: ۷

۶ ﴿وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَاصْبَحْتُمْ

بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا﴾ آل عمران: ۱۰۳

۳- أَلْفٌ: همدل کرد، به هم پیوست

۲- آيات: نشانه‌ها

۱- أَوْفُوا: وفا کنید

در گروه‌های دو نفره شبیه گفت‌وگوی زیر را اجرا کنید.

جِوَارُ (مَعَ الطَّبِيبِ)

الطَّبِيبُ	الْمَرِيضُ
مَا بِكَ؟	أَشْعُرُ بِالْأَلَمِ فِي صَدْرِي، وَ عِنْدِي صُدَاعٌ.
أَصْغَطُ الدَّمَّ عِنْدَكَ أَمْ مَرَضُ السُّكَّرِ؟	مَا عِنْدِي صَغَطُ الدَّمِّ وَلَا مَرَضُ السُّكَّرِ.
بَعْدَ الْفَحْصِ يَقُولُ الطَّبِيبُ:	
أَنْتَ مُصَابٌ بِرُكَامٍ، وَ عِنْدَكَ حُمَّى شَدِيدَةٌ. أَكْتُبُ لَكَ وَصَفَةً.	مَاذَا تَكْتُبُ لِي، يَا حَضْرَةَ الطَّبِيبِ؟
أَكْتُبُ لَكَ الشَّرَابَ وَ الْخُبُوبَ الْمُسَكِّنَةَ.	مِنْ أَيْنَ اسْتَلِمَ الْأَدْوِيَةَ؟
اسْتَلِمَ الْأَدْوِيَةَ فِي الصِّدَالِيَّةِ الَّتِي فِي نِهَائِهِ مَمَرٌ الْمُسْتَوْصَفِ.	شُكْرًا جَزِيلًا.
تَتَحَسَّنُ حَالُكَ.	إِنْ شَاءَ اللَّهُ.
مَعَ السَّلَامَةِ.	فِي أَمَانِ اللَّهِ.



۱- الأَلَمُ: درد ۲- الفُصَابُ: دچار ۳- الرُّكَامُ: سرماخوردگی شدید ۴- الحُمَّى: تب ۵- تَتَحَسَّنُ: خوب می‌شود

التمرین الأول: عَيِّنِ الْجُمْلَةَ الصَّحِيحَةَ وَ غَيْرِ الصَّحِيحَةَ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ. ✓ x

۱- الْمِسْكُ عِطْرٌ يُتَّخَذُ مِنْ نَوْعٍ مِنَ الْغِزْلَانِ.

۲- أَلَشَّرَشَفُ قِطْعَةٌ فَمَاشٍ تَوْضَعُ عَلَى السَّرِيرِ.

۳- أَلْعَرَبُ يَنْطِقُونَ الْكَلِمَاتِ الدُّخَيْلَةَ طَبَقَ أَصْلِهَا.

۴- فِي اللَّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ مِثَالُ الْكَلِمَاتِ الْمُعَرَّبَةِ ذَاتُ الْأُصُولِ الْفَارِسِيَّةِ.

۵- أَلْفَ الدُّكْتُورِ التُّونَجِيِّ كِتَابًا يَضُمُّ الْكَلِمَاتِ التُّرْكِيَّةَ الْمُعَرَّبَةَ فِي اللَّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ.

التمرین الثاني: عَيِّنِ الْعِبَارَةَ الْفَارِسِيَّةَ الْمُنَاسِبَةَ لِلْعِبَارَةِ الْعَرَبِيَّةِ.

۱- تَجْرِي الرِّيحُ بِمَا لَا تَشْتَهِي السُّفُنُ. الف. هر چه پیش آید خوش آید.

۲- أَلْبَعِيدُ عَنِ الْعَيْنِ، بَعِيدٌ عَنِ الْقَلْبِ. ب. کم گوی و گزیده گوی چون دُر.

۳- أَكَلْتُمْ تَمْرِي وَ عَصَيْتُمْ أَمْرِي. ج. گر صبر کنی ز غوره حلوا سازی.

۴- خَيْرُ الْكَلَامِ مَا قَلَّ وَ ذَلَّ. د. نمک خورد و نمکدان شکست.

۵- أَلْصَّبْرُ مِفْتَاحُ الْفَرَجِ. ه. از دل برود هر آنکه از دیده رود.

۶- أَلْخَيْرُ فِي مَا وَقَعَ. وَ بَرَدَ كَشْتَى أَنْجَا كِه خَوَاهِدِ خَدَايِ وَ گَرِ جَامِهِ بَرِ تَنْ دَرَدِ نَاخَدَايِ

۱- تَشْتَهِي: می‌خواهد، میل دارد.

التمرين الثالث: تَرْجِمِ الْجُمْلَةَ التَّالِيَةَ.

- ١- لَا تَكْتُبْ عَلَى الشَّجَرِ. ٧- أَكْتُبْ بِحَطِّ وَاضِحٍ.
- ٢- كَانُوا يَكْتُبُونَ رِسَائِلَ. ٨- سَأَكْتُبُ لَكَ الْإِجَابَةَ.
- ٣- لَمْ يَكْتُبْ فِيهِ سَيْنًا. ٩- لَنْ أَكْتُبَ جُمْلَةً.
- ٤- مَنْ يَكْتُبْ يَنْجَحْ. ١٠- قَدْ كُتِبَ عَلَى اللُّوحِ.
- ٥- يُكْتُبُ مَثَلٌ عَلَى الْجِدَارِ. ١١- أَخَذْتُ كِتَابًا رَأَيْتُهُ.
- ٦- كُنْتُ أَكْتُبُ إِجَابَاتِي.

التمرين الرابع: اِبْحَثْ عَنِ الْأَسْمَاءِ التَّالِيَةِ فِي الْجُمْلِ.

(اسْمُ الْفَاعِلِ، اسْمُ الْمَفْعُولِ، اسْمُ الْمُبَالَغَةِ، اسْمُ الْمَكَانِ، اسْمُ التَّفْضِيلِ)

- ١- ﴿... يَمْشُونَ فِي مَسَاكِينِهِمْ...﴾ طه: ١٧٨
- ٢- ﴿... اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا﴾ نوح: ١٠
- ٣- ﴿يُعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ...﴾ الزخرف: ٤١
- ٤- إِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّىٰ عَنِ الْبِقَاعِ وَالْبِهَائِمِ. الإمام عليّ عليه السلام
- ٥- إِنَّ أَحْسَنَ الْخُلُقِ الْحَسَنُ. الإمام الحسن عليه السلام
- ٦- يَا رازِقُ كُلِّ مَرْزُوقٍ. مِنْ دُعَاءِ الْجَوْشَنِ الْكَبِيرِ

التَّمْرِينُ الْخَامِسُ: عَيْنِ الشَّرْحَمَةِ الصَّحِيحَةِ، وَ عَيْنِ الْمَطْلُوبِ مِنْكَ.

۱- ﴿قَالَ رَبِّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ﴾ هود: ٤٧

گفت: پروردگارا، من به تو ...

- (الف) ... پناه بردم که از تو چیزی بپرسم که به آن علم ندارم.
- (ب) ... پناه می‌برم که از تو چیزی بخواهم که به آن دانشی ندارم.

الِاسْمِ التَّنْكِيرَةِ، وَ الْفِعْلِ التَّنَاقُصِ:

۲- ﴿...وَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا﴾ النساء: ۳۳

- (الف) و از خدا بخشش او را بخواهید؛ زیرا خدا به هر چیزی داناست.
- (ب) و از فضل خدا سؤال کردند، قطعاً خدا به همه چیزها آگاه بود.

الِاسْمِ التَّنْكِيرَةِ، وَ الْفِعْلِ التَّنَاقُصِ:

۳- ﴿...يَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ وَ يَقُولُ الْكَافِرُ بَالَيْتِي كُنْتُ تُرَابًا﴾ النِّبَا: ۴۰

روزی که ...

- (الف) ... آدمی آنچه را [با] دستانتش پیش فرستاده است می‌نگرد و کافر می‌گوید: کاش من خاک بودم.
- (ب) ... مرد آنچه را [با] دستش تقدیم کرده است می‌نگرد و کافر می‌گوید: من همانند خاک شدم.

الْفِعْلِ الْمُضَارِعِ، وَ الْفِعْلِ التَّنَاقُصِ:

۴- كَانَ الْأَطْفَالُ يَلْعَبُونَ بِالْكَرَّةِ عَلَى الشَّاطِئِ وَ بَعْدَ اللَّعِبِ صَارُوا نَشِيطِينَ.

- (الف) کودکان در کنار ساحل با توپ بازی می‌کردند و پس از بازی با نشاط شدند.
- (ب) بچه‌ها در کنار ساحل توپ بازی کردند و بعد از بازی پر نشاط، خوشحال هستند.

الْمَجْرُورَ بِحَرْفِ الْجَزْمِ، وَ الْمُضَافَ إِلَيْهِ:

۵- كُنْتُ سَاكِبًا وَ مَا قُلْتُ كَلِمَةً، لِأَنِّي كُنْتُ لَا أَعْرِفُ شَيْئًا عَنِ الْمَوْضُوعِ.

- (الف) ساکت شدم و کلمه‌ای نمی‌گویم؛ برای اینکه چیزی از موضوع نمی‌دانم.
- (ب) ساکت بودم و کلمه‌ای نگفتم؛ زیرا چیزی دربارهٔ موضوع نمی‌دانستم.

الْمَفْعُولُ، وَ الْجَائِزُ وَ الْمَجْرُورُ:

لِلْمُطَالَعَةِ

الْمَعْرَبَاتُ الْفَارْسِيَّةُ

إِيرِيْسَم: إِيرِيْسَم / إِيرِيْق: آبریز / أَرْجَوَانِي: آرغوانی / أَسْتَاذ: استاد / إِسْتَبْرَق: سِتَبَرَك / أَسْطُوَانَة: استوانه / بَابُوْنَج: بابونه / بَخْشِيْش ← بَخْشِيْش (بِالْفَارْسِيَّة: انعام) / بَابُوْج (نَوْعٌ مِنَ الْجِدَاءِ) ← پاپوش / بَاذَنْجَان: بَاتَنكَان (بِالْفَارْسِيَّة: بادمجان) / بَرَبْط: (بِرِ الْفَارْسِيَّة: سینه + بَت: بِالْفَارْسِيَّة: اَرْدَك) مِنْ أَلَاتِ الْمَوْسِيقَى / بَرَزَخ ← بَرَزَ أَخُو (أَلْعَالَمُ الْأَعْلَى: جِهَانُ بَالَا) / بَرَنَامَج: بَرَنَامَه / بَرَوَاز ← بَرَوَاز: قَاب / بَرِيْد ← بُرِيْدَه دُم: هُست / هُستَان: بُوْستَان / بَغْدَاد: بَغ + دَاد (خَدَادَاد) / بُوْسَة ← بُوْسَه / بَهْلَوَان ← يَهْلَوَان (بِالْفَارْسِيَّة: بِنْدباز) / بَس: بَس / بَط: بَت (بِالْفَارْسِيَّة: اَرْدَك) / بَلُوْر: بَلُوْر / بَنْفَسَج: بَنْفَسَه / تَارِيْح: تَارِيْك / قَتُوِيْج: تَاجْ كَذَارِي ← تَاج / تَخْت: تَخْت / تَرْجُمَان (تَرْجَمَة) ← تَرزُبَان / قَتُوْر: تَنُوْر / تُوْت: تُوْت / جَامُوْس: گَاوَمِيْش / جَزَر: كَزَر / جَض: كَجْ / جَلَاب: كَلَاب / جُلُنَار: كَلِنَار / جُنَاح: كُنَاه / جُنْدِي: كُنْدِي / جُوْرَاب: كُوْرپَا (كُوْرَاب) / جُوْز: كُوْز (بِالْفَارْسِيَّة: كِرْدُو) / جُوْشَن ← جُوْشَن: زَرَه / جُوْهَر: كُوْهَر /

حُرْبَاء: هوزبان (هور: خور «خورشید»)/ خَانَّة: خانه (بُيُوتٌ فِي لَعْبَةِ الشُّطْرَنْجِ) // حُنْدَق: گندک / دِجَلَّة:
 تیگره (تند و تیز) // دَرُوش: درویش / دُسْتُور ← دَسْتُور: قانون / دِیاج: دیبا / دین: دین / رازیانج:
 رازیانه / رُزْقُ ← رُوچِک، روزیک «روزی» / رُوژنَامَة ← رُوژنَامَه (بِالْفَارْسِيَّةِ: تَقْوِيم) // رُوژنَة ← رُوژنَه /
 زَهْنَامَج: راهنامه (ذَلِيلٌ لِلشُّفْرَاتِ الْبَحْرِيَّةِ) // زَرَكَش ← زَرَكَش: نَسَجَ الثَّمَاشِ بِحُيُوطٍ مِنَ الذَّهَبِ:
 تارهای زر به پارچه کشید // زَمَان: زمان / زَمْهَرِير: بسیار سرد / زَنْبِيل: (زَنْ: اِمْرَأَة + يَد = عَلَى
 يَدِ الْمَرْأَةِ) // زَنْجَار: زنگار / سَادَج: ساده «سَدَاجَة: سادگی» / سَاعَة: سایه / سَجِيل: سنگ کِل / سَحَط:
 سخت (الْعَضْبُ الْكَثِيرُ) // سِرَاج: چراغ / سِرَادِق: سَرَابَرْدَه / سَرْحَس: سَرْحَس / سِرْدَاب: سِرْدَاب (زیر زمین:
 بِنَاءٌ تَحْتَ الْأَرْضِ) // سَرْمَد: سَرَامَد (بی آغاز و پایان: مَا لَا أَوَّلَ لَهُ وَ لَا آخِرَ) // سِرْوَال: شلوار / سَكْر:
 شکر / سَكَنْجِيْن: سرکه انگبین / سَلْجَم: سَلْجَم / سِنْجَاب: سِنْجَاب / سَوْسَن: سَوْسَن / شَاشَة: صفحه
 تلویزیون ← شیشه / شاهین (صَقْر): شاهین / شَوَنْدَر: شَوَنْدَر / شَهْدَانِج: شاهدانه / شَيء ← شَيْء: چیز /
 صَفْقُ: دست زد ← چَپْک / صَلِيب ← چَلِيبَا / صَنْج: چنگ، سنج / طَازِج: تازه / طَشْت: تَشْت /
 عَبْقَرِي ← اَبْكَارِي / عِثْرِيْت ← اَفْرِيْد / فِرْجَار، بَرْكَار ← بَرْكَار / قُسْتَق: پسته / فِلْفِل: پلپل / فُولَاذ: فولاد /
 فَيْرُوژ ← پَيْرُوژ / فَيْرُوژِج: فیروزه / فِيل: پیل / كَاس: کاسه / كَافُور ← كَافُور / كَهْرَبَاء: کاهربا / كَنْز:
 گنج / لِجَام: لگام / مِحْرَاب: مِهْرَاب / مِسْكَ ← مَشْكَ: مُشْكَ / مِيْزَاب ← مِيْزَاب: ناودان «كُمِيْز + اَب» /
 نَارَنْج ← نَار رَنْگ: نارنج / نَسْرِيْن: نَسْرِيْن / نَيْطُ: نَفْت / نَمَارِق: بالشها (جَمْع نَرْمَك) // نَمُوْدَج:
 نمونه / وَرْد ← وَرْد / وَزِيْر: وِچِيْر / هَنْدَسَة: آندازه

■ در امتحانات از بخش معرّبات فارسی هیچ سوالی طرح نمی‌شود.

الْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

■ اُكْتُبْ عَشْرِينَ كَلِمَةً مُعَرَّبَةً أَصْلُهَا فَارِسِيٌّ مِنْ أَحَدِ هَذِهِ الْكُتُبِ.



أَيُّهَا الْأَجْبَاءُ، نَسْتَوْدِعُكُمْ^١ اللَّهَ، إِلَى الْلِقَاءِ،
سَأَلْتَنِي^٢ بِكُمْ إِنْ شَاءَ اللَّهُ فِي الصَّفِّ
الثَّانِي عَشَرَ،
تَمَنَّى^٣ لَكُمْ النُّجَاحَ، مَعَ السَّلَامَةِ،
فِي أَمَانِ اللَّهِ.



١- نَسْتَوْدِعُ: مِي سَهَارِيم ٢- نَلْتَقِي: دِيدَار مِي كَنِيم ٣- تَمَنَّى: أَرْزُو مِي كَنِيم

سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی جهت ایفای نقش خطیر خود در اجرای سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش و برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران، مشارکت معلمان را به‌عنوان یک سیاست اجرایی مهم دنبال می‌کند. برای تحقق این امر در اقدامی نوآورانه سامانه تعاملی بر خط اعتبارسنجی کتاب‌های درسی راه‌اندازی شد تا با دریافت نظرات معلمان درباره کتاب‌های درسی نونگاشت، کتاب‌های درسی را در اولین سال چاپ، با کمترین اشکال به دانش‌آموزان و معلمان ارجمند تقدیم نماید. در انجام مطلوب این فرایند، همکاران گروه تحلیل محتوای آموزشی و پرورشی استان‌ها، گروه‌های آموزشی، دبیرخانه راهبری دروس و مدیریت محترم پروژه آقای محسن باهو نقش سازنده‌ای را بر عهده داشتند. ضمن ارج نهادن به تلاش نعلمی این همکاران، اسامی دبیران و هنرآموزانی که تلاش مضاعفی، در این زمینه داشته و با ارائه نظرات خود سازمان را در بهبود محتوای این کتاب یاری کرده‌اند به شرح زیر اعلام می‌شود.

اسامی دبیران شرکت‌کننده در اعتبارسنجی کتاب عربی، زبان قرآن (۲) - کد ۱۱۱۲۰۶

ردیف	نام و نام خانوادگی	استان محل خدمت	ردیف	نام و نام خانوادگی	استان محل خدمت
۱	حمید قاندریان	خراسان رضوی	۲۴	لیلا اندریقی	آذربایجان غربی
۲	مهدی شقایب	آذربایجان شرقی	۲۵	اسماعیل رسایی	کرمان
۳	حکیمه حسن‌زاده جعفری	کرمان	۲۶	سید صدرالدین حیدر	مرکزی
۴	یوسف فاضل	گلستان	۲۷	آبته آقایی نعمتی	شهر تهران
۵	زهره آذری	کردستان	۲۸	علی یازلو	گلستان
۶	یحیعیعلی آقاعلی پور	آذربایجان شرقی	۲۹	مصطفی احمدپناه	سمنان
۷	طهمورث سلیمانی	کردستان	۳۰	محمد داوریخانی	خراسان شمالی
۸	شکوفه گمانی	مرکزی	۳۱	محمد مهدی سریلند	خراسان رضوی
۹	فاطمه رامتی	کرمانشاه	۳۲	علیرضا صبیاد	خراسان شمالی
۱۰	زهره علی آبادی	خراسان جنوبی	۳۳	شهبلا اسماعیلیان	اصفهان
۱۱	زهره سالک‌نژاد	فارس	۳۴	حسن علی شرنار	سمنان
۱۲	طیبه احمدپور	خراسان جنوبی	۳۵	ابراهیم علی دوستی شهرکی	چهارمحال و بختیاری
۱۳	فریده ناطق خشنود	گیلان	۳۶	مهستی رایگان	لرستان
۱۴	سعیده دارخانی	ایلام	۳۷	اکبر میرکی پور	هرمزگان
۱۵	آذر صمدی طاقانکی	چهارمحال و بختیاری	۳۸	حسین مصوری	اصفهان
۱۶	خسرو گروسی	کرمانشاه	۳۹	فاطمه عباسی	قم
۱۷	فاطمه زهرا گندم‌کار	خراسان رضوی	۴۰	پانته آ امیریانایی	شهر تهران
۱۸	مرجان کره	خوزستان	۴۱	عبدالله اخلاصی	قزوین
۱۹	طیبه عباسی	فارس	۴۲	محمدتقی جهانی مهر	همدان
۲۰	سهیلا ملانی یگانه	رزنجان	۴۳	هوشنگ جعفر دوست	گیلان
۲۱	معصومه ملکی	شهرستان‌های تهران	۴۴	رسول خَظَر	سیستان و بلوچستان
۲۲	سیمین پروان‌یان	اصفهان	۴۵	اسکندر حسین زاده	شهر تهران
۲۳	حکیمه ایرانمختی	هرمزگان	۴۶	سهیلا اکبری	کهگیلویه و بویراحمد